

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۷
پنجمین شماره، مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ربال

اعتراض عمومی به تصمیم وزارت کار

لغو قانون شرکت کارگران در دریافت سود ویژه و اعلان قانون "تأمین منافع کارگران" بجای آن در هفتم مردادماه، از سوی وزارت کار، به بهانه اینکه قانون اخیر مصوبه شورای انقلاب است، کاسه صبر کارگران را در برابر بی‌تفاوتی و درایام اخیر تصمیمات نادرست وزارت کار بزبان زحمتکشان لبریز ساخت.

موج عدم رضایت و اعتراض عمومی از جانب کارگران با تصمیم اخیر وزارت کار را در واقع می‌توان اعتراض به بسیاری از اقدامات این بقیه در صفحه ۲

شاخه سیاسی توطئه را باید به هر قیمت کشف و سرکوب کرد

"فرب خورده" نشان می‌دهند، هرکدام به‌صنابه سلاح امپریالیسم آمریکا چه جانهای باکی را که به مسلخ نمی‌برند و چه انسانهای انقلابی آزاده‌ای را که در آتش بمب‌های خود خاکستر نمی‌گردند.

بدرکت بسیاری مردم انقلابی، توطئه عقیم ماند و بخش مهمی از شاخه نظامی کودتا دستگیر شد. اما همچنانکه حجت الاسلام رضوانی، حاکم سرع یادگان نوزده، در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفته است، بخش مهمی از شبکه کودتا هنوز نامکشف است. این واقعیت را حجت الاسلام محمد ری شهری در مصاحبه مطبوعاتی خود با خبرنگاران (۱۵ مرداد ۵۹) تأیید کرده و افزوده است:

"... اینها دوشاخه داشتند. یک شاخه سیاسی و یک شاخه نظامی. شاخه نظامی آن تقریباً متلاشی شده‌است و تعدادی از آنها هم فراری هستند و دیگر نمی‌توانند کاری بکنند. ولی از شاخه سیاسی آن تعداد کمی گرفته شده‌اند و اکثر آنها هنوز آزاد هستند."

هشدارهای مقامات مسئول، سازمانهای سیاسی و اخبار خبرگزاریها و رادیهوها و مطبوعات خارجی حاکی از آنست که، علیرغم شکست توطئه کودتای ۱۸ تیر، امپریالیسم آمریکا دست از دسیسه برای درهم شکستن انقلاب نکشیده‌است. این ببر خشمگین تیزدندان را، که چشم به بلعیدن انقلاب نوپای ما دارد، یکدم نباید از نظر فرو داشت. هر فرصتی را باید از او گرفت و هیچ ترحمی بر او و کارگزارانش جایز نیست. کمترین غفلت و تسامح در این راه به معنای فرستادن انقلاب به کام مرگ است.

امید امپریالیسم دسیسه‌گر در اجرای نقشه‌های بعدی اش علیه انقلاب، علاوه بر ضدانقلاب خارج از کشور و همکاری دولتهای جنایتکاری چون مصر و عراق، به همین شبکه سیاسی است که تقریباً دست نخورده باقی مانده و به مخفی سدگان و فراریان شبکه نظامی، که دسترسی به آنان دشوار شده‌است. این دو گروه، که باید جاده را برای امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب مقیم خارج سطح کنند، بازوی فعال امپریالیسم‌اند، و اگر این بازو بقیه در صفحه ۲

اقرار و اعتراف کودکان کار در مرحله بازجویی، در دادگاه و در مصاحبه‌های رادیو تلویزیونی، هر روز بیشتر از عمق این توطئه خطرناک امپریالیستی و ابعاد گسترده آن برده برمی‌گردد. نه یقین اگر توطئه وارد عمل می‌شد، کسار و بخریب در سینه‌های به‌وسعت سراسر خاک کسورما دامن می‌گسید و توطئه‌گرانی که اکنون در جنگال عدالت، خود را "نادم"، "جاهل" و

گرانی، زندگی زحمتکشان را مختل کرده‌است

انگیزی از انزایب قیمتتها در مقابل خود داریم، که حکایت از وضع نامساعد اقتصادی کشور دارد، و اگر هرچه زودتر برای مقابله با آن وارد عمل نشویم، نرخ تورم در پایان سال جاری حتی بالاتر از نرخ آن در سال ۱۳۵۸ خواهد بود. توده‌های زحمتکش بمنظور حمایت از انقلاب و همدا نشدن با ضد انقلاب و به امید اینکه بالاخره متصدیان امور به لزوم مبارزه با تورم بی‌خواهند برسد و برای مقابله با ضد انقلاب در این عرصه مهم، به اقدامات لازم متوسل خواهند شد، فشار سنگین هزینه زندگی را تحمل کرده و میکنند. ولی مسئولان هم باید توجه داشته باشند که این صبر و تحمل حد و مرز دارد و باید هر چه زودتر اقدامات لازم بمنظور کاهش نرخ تورم و تأمین حداقل معیشت زندگی اکثریت مردم در نتیجه بی‌اثر کردن تبلیغات ضد انقلاب، که هدف آن ایجاد بدبینی نسبت به انقلاب است، بعمل آید.

برای مبارزه با افزایش هزینه زندگی انجام اقدامات زیر بمنظور ضروری است:

(۱) افزایش میزان تولید از طریق بقیه در صفحه ۲

کزارس بانک مرکزی ایران، "ساخسبهای کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در خرداد ماه ۱۳۵۹ نسبت به ماه قبل، ۲/۴ در صد ترقی کرد که در مقایسه با خرداد ماه سال‌های گذشته بی‌ابقه بوده است. در این ماه شاخص گروه کالاهای ۴/۵ در صد، خدمات ۱/۳ در صد و مسکن و سوخت یک در صد نسبت به ماه گذشته بالا رفت. در مقایسه با خرداد ماه سال گذشته، شاخص گروه کالاهای بیسی از ۳۱ در صد افزایش دارد." (روزنامه صبح آزادگان، مورخ ۷ مرداد ماه سال ۱۳۵۹).

از عوامل مهم افزایش این شاخص طی دوره مورد نظر، افزایش قیمت گوشت قرمز حدود ۳۹ در صد، میوه‌های تازه ۲۰ در صد، برنج ۴۶ در صد، لبنیات و تخم مرغ ۲۶ در صد و سبزیهای تازه ۲۸ درصد بوده است.

اگر آمار بانک مرکزی ایران را قبول کنیم و آنرا تعدیل شده ندانیم، باز هم باید باور کنیم که تابلوی غم

هزینه زندگی، که در اواخر حکومت شاه سابق، با سرعت قابل توجهی در حال افزایش بود، همچنان به روند صعودی خود ادامه میدهد.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، انتظار میرفت که یکی از سواد برنامه دولت مزبور مبارزه با تورم و تلاش در جهت کاهش هزینه زندگی باشد. ولی متأسفانه نه تنها این امر تحقق نیافت، بلکه افزایش هزینه زندگی هم چنان ادامه یافت و بر فشار ناشی از هزینه سرسام آور زندگی، که سالیان دراز است بر دوش زحمتکشان سنگینی میکند باز هم افزوده شد.

واگذاری مسئولیت اداره امور کشور به شورای انقلاب هم متأسفانه تغییری ز این باب بوجود نیاورد. قیمت کالاهای مورد نیاز عموم همچنان افزایش یافت و نرخ تورم سالانه به رقم باور نکردنی رسید.

توضیح آنکه، بموجب اظهار دبیر نچمن اقتصاد دانان ایران، که در روزنامه اطلاعات مورخ ۶ خرداد ۱۳۵۹ منعکس گردید، نرخ تورم در سال ۱۳۵۸ در حدود ۵۰ درصد بر آورده گردیده است. مورد تأکید رئیس‌جمهور نیز قرار رفت. فراموش نکنیم که تعدادی از صاحب‌نظران، نرخ تورم در سال ۱۳۵۸ را ۶۰ درصد دانسته‌اند.

در ماههای اول سال ۱۳۵۹، مردم چنان شاهد گرانی باز هم بیشتر کالاهای مصرفی بودند. قیمت گوشت، برنج، انواع میوه و سبزیجات و دیگر کالاهای رده‌نیز اکثریت مردم بطرز کم سابقه‌ای برای یافتن و موجب بروز عدم تسکین بیشتر میان درآمد و هزینه خانوادگی نامتکشان شد، تا آنجا که بر اساس

رادیو مسکو: سرنگونی رژیم استبدادی شاه و فسخ قراردادهای نابرابر اسارت‌بار نظامی و روابط اقتصادی با آمریکا، نتیجه منطقی و قانونی انقلاب ایران است

انقلاب ایران مقاومت کلیه دشمنان علنی نقابدار داخلی و بخصوص خارجی خود را در هم شکست و به پیش روانست و پیوسته از گذشته دوران رژیم استبداد سلطنتی و سلطه و سیطره و غارت و چپاول امپریالیستی، که منقور ملت ایران بود، دورتر و دورتر میشود. ایران در این راه ناگزیر با دشواریهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، که برای دوران پس از انقلاب قانونی و منطقی است و با دشواریهای مصنوعی، که غالباً حاد و خطرناکترند و آمریکا ایجاد می‌کند، برخورد می‌کند. آمریکا هنوز امیدوار است موقعیت آتاقی و آریایی در ایران را بخود بازگرداند و از تمام مسائل محاصره اقتصادی، شانثار سیاسی، خراب کاری نظامی و تبلیغات افتراآمیز استفاده میکند. هدف دشمنان ایران از تمام این فعالیتها اینست که بنیانهای انقلاب را متزلزل و مشکلات تضادها را شدیدتر کرده، به‌احیای رژیم ضد مردمی برسند. یادستک در خط مشی سیاسی خارجی ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران تغییر جهت حوسمی ایجاد کنند. این خط مشی، که انقلاب ردمی بهمن‌ماه، ایران نوین را در آن رهسار کرد، اندک سرنگونی رژیم استبدادی شاه و فسخ قراردادهای نابرابر اسارت‌بار نظامی و روابط اقتصادی آمریکا نتیجه منطقی و قانونی انقلاب ایرانست.

رعایت نظم انقلابی و قوانین جمهوری اسلامی ایران خواست مردم است

اسلامی است. نظام متحول جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی قاطع جامعه انقلابی کشور بر رهبری امام خمینی بر خوردار است. وظیفه هر فرد، گروه، حزب و سازمان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، که خواهان آزادی و استقلال کشور، ترقی، رفاه و سعادت مردم آنست، رعایت نظام نوین جمهوری اسلامی و مراعات قوانین آنست، که خود در تصویب آن شریک بوده‌اند.

لیکن دیده میشود که، بموازات توطئه‌های مداوم و گسترده امپریالیسم سرکرده‌گی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برورده آن در داخل و خارج و بر زمین همین توطئه‌ها، در این اواخر بکرات عده‌ای غیرمسئول، ناآگاه و تحریک شده (و متأسفانه گاه از جانب اشخاص مسئولی چون بعضی وکلای مجلس و غیره) عملاً نظام جمهوری اسلامی ایرانرا تخطئه میکنند، قوانین آنرا آشکارا و با کمال خوشونت زیر پا می‌گذارند و دست به تهاجمات و خرابکاریهای می‌زنند که می‌تواند فقط به نفع ضد انقلاب و بزبان انقلاب باشد.

در جامعه انقلابی ایران و نظام جمهوری اسلامی آن اجرای قانون خواست مردم است. کسیکه علیه قانون قیام کند، علیه مردم قیام کرده است. کسیکه قوانین یک جامعه انقلابی را بهر عنوان و بهر نام که باشد، برسمیت شناسد و زیر پا گذارد، یا ضد انقلاب است و یا نا دانسته به ضد انقلاب کمک میکند.

وظیفه اساسی هر انقلاب اجتماعی بنیادی، بر انداختن نظام اجتماعی موجود و بنای نظام اجتماعی نوین است. اختلاف اساسی انقلاب اجتماعی با هر چه و مرج (آنتارشی) نیز در همین بنای نظام نوین اجتماعی با قوانین نوی به نفع مردم زحمتکش مستضعف است.

انقلاب شکوهمند مردم ایران نیز، بر خلاف آنچه که دشمنان سوگند خورده آن، یعنی امپریالیسم بسر کرده‌گی امپریالیسم آمریکا و عناصر ضد انقلاب، پسماندهای فراری ساواک و ارتش آریا-مهری قلمداد و در دنیا پراکنده، میکنند چنین وظیفه خطیر تاریخی بنای نظام نوین اجتماعی با قوانین نوی به نفع مردم مستضعف را در مقابل خود گذاشته است.

در عرض یکسال و نیم که از قیام خلق رزمنده میگذرد، چه دربراندازی رژیم طاغوت و سلطه خانمان برسداده امپریالیسم و چه در نوسازی بنیادی نظام اجتماعی نوین دستاوردهای حاصل شده است. مهمترین دستاوردهای خلق انقلاب شکوهمند ایران همانا استقرار نظام جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی آن سوی اکثریت قریب با اتفاق مردم کشور و بالاخره تشکیل نخستین مجلس شورای اسلامی ایران است. شورای انقلاب نیز در عرض این مدت قوانین بسیاری را تصویب و جانسپین قوانین ظالمانه رژیم طاغوت کرده است. که اکنون ادامه این وظیفه بس مجلس اجتماعی و تاریخی بعهدده مجلس شورای

تظاهرات پاکستانیهای مقیم تهران علیه دولت نظامی ضیاءالحق

گروهی از پاکستانیهای مقیم تهران، صبح روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ماه (عید فطر)، علیه دیکتاتور نظامی ضیاءالحق در پاکستان دست به تظاهرات و راه‌پیمایی در تهران زدند.

تظاهراتکنندگان، که از اسنادیوم نصیری بسوی سفارت پاکستان حرکت می‌کردند، عکس‌هایی از امام خمینی و بلاکاردهایی در دست داشتند، که بر روی یکی از آنها نوشته شده بود: مرگ برضیاءالحق رئیس نظام مسی

دولت پاکستان و نوکر آمریکا نزدیک ساعت ۱۰، تظاهراتکنندگان به خیابان انقلاب رسیدند. آنها شعارهایی علیه امپریالیسم آمریکا، رژیم نظامی ضیاءالحق و سادات خائن می‌دادند و با خشم فریاد می‌زدند: آمریکا نابود است
مرگ بر ضیاءالحق
درود بر خمینی
مرگ بر سادات
مرگ بر حکومت نظامی پاکستان
یکی از تظاهراتکنندگان در گفتگویی با خبرنگار رنومه "مردم" گفت: "دولت نظامی ضیاءالحق، که وابسته به آمریکا است، تمام آزادیها را در پاکستان زیر پا گذاشته‌است. ما آزادی می‌خواهیم. ما می‌خواهیم که در پاکستان انتخابات آزاد برگزار شود."

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بقیه از صفحه ۱

شاخه سیاسی تو طلاء...

موقع قطع سود، امیرالایم آمریکا تا پارگیری دیگری را سازمان دهد، فلج خواهد ماند و قادر به عمل تخریبی مؤثر علیه انقلاب نخواهد بود. به اس دلیل مسئولان کشور باید تمام هشیاری خود و مردم را بسیج کنند، تا بقایای شاخه نظامی کودتا و تمامی شبکه سیاسی آن بهرقیمت کشف و افراد آن دستگیر شوند.

اهمیت شبکه سیاسی، چنانکه، به تکرار نوشته ایم، به هیچ رو کمتر از شاخه نظامی نیست. حجت الاسلام محمدری شهری در توضیح وظایف شاخه سیاسی کودتا میگوید:

" این شاخه در تجزیه و تحلیل سیاسی کودتا نیتی داشت و فعالیت تبلیغاتی نیز میکرده و طرح کودتا از آنها بود." چنانکه مشهود است، آنکه زمینه تدارک می دیده، تبلیغ میکرده و طرح می ریخته، شاخه سیاسی بوده است. نباید چنان خام بود که تصور کرد این طراحان کودتا اکنون بیگار، در گوشه لانه های خود خزیده و دست از طراحی توطئه های دیگر برای زمانی دیگر سست نهند. نباید اسیر این بنادربود که کشف و بازداشت افراد شاخه نظامی و نیروبان عده های از آنها، اعضاء شبکه سیاسی راپهراس افکنده و بی عمل ساخته است. بعکس، این ماره های ضربت خورده با کینه ای شدیدتر از بیس، به رهنمودهای سازمانهای جاسوسی ارباب، در کار تدارک توطئه های خونین تر و سنگین تر علیه انقلاب ایران اند، و در این فکر، که تا تنور گرم است، نان را بجسبانند.

شاخه سیاسی ضدانقلاب، مدتها قبل از شاخه نظامی سازمان داده شده و کار تخریبی خود را آغاز کرده است. اعضاء مؤثر این شاخه بوده اند که با اشغال مواضع حساس دردستگاه دولتی و ارنسی، در کارتمیق انقلاب کارشکنی کردند. سعی در انحراف انقلاب از مسیر خلقی و ضدامریالیستی آن داشتند، نارسائیه و آشنگی های اقتصادی - اجتماعی را، که ارتیه رریم ساه مدوم بود، به انقلاب نسبت دادند. اعضاء شاخه سیاسی بودند که علیه رهبران انقلاب و کل انقلاب سایه سازی و شایعه پراکنی می کردند و اکنون هم می کنند، جوهر خلی انقلاب را کتمان می کنند و به کمک اسناد جعلی سازمان "سیا" سعی دارند، انقلاب مردمی ما را ناسی از تضادهای امیریالیست های جهانخوار نشان دهند.

افراد این شبکه، همواره درجه های مختلف، برای ایجاد ناراضیاتی در میان مردم و بهره برداری از این ناراضیاتی فعال بوده و هستند. گزانی و تورم و کمپایی را مصنوعا دامن می زنند و بعد در میان مردم تبلیغ می کنند که انقلاب قادر به هیچ اقدام مثبت نیست و وضع کشور از بدتر شده است. کارگران را با اقدامات بی رویه خود عاصی و زمینه را برای اعتصاب و تحصن فراهم می کنند، تا در روند تولید اختلال شود. کارخانه ها را تعطیل می کنند و کارگران را به خیابانها می ریزند و برنظار ناراضی ها می افزایند. در مساعل حساس دولتی، چوب لای چرخ انقلاب می گذارند و ارسها را به ضدارزش بدل می کنند. وقتی صحبت از باکساری است، نعل وارونه می زنند و سره و ناسره را باهم غریال می کنند. اگر هدف طاغوت زدایی است، مظهر طاغوت را در سطح بزرگتر و در عمق کوچکتر از آنچه هست، جلو می دهند. شب و روز بوسیله ایادی خود در میان قشرا و صوف مختلف نسبت به انقلاب و رهبران آن شایعاتی را پخش می کنند، که خود شایسته آنند، نسبت هایی می دهند که خود واجد آنند.

این شبکه خطرناک از دهان ساده و مستعد را نشانه می گیرد و از تمام نارسایی های ناگزیر و قابل اجتناب انقلاب، بسود خود بهره برداری می کند. در تانکسی، انیوس، سویرمهله، نانوای و کوجه و بازار، ناکیان دهانی به شکایت گشوده می شود که: می بینید کسور به چه روزی در آمده؟ امنیت نیست، رفاه نیست، صدرحمت به گذشته! کوبیده خود را با انقلاب سازگار نشان می دهد و برآن دل می سوزاند که، انقلاب چه عاقبت به تر شده. ماهرانه هرخرابی و هر نایسانانی را به اعلان بسبب می دهد و می گذرد.

تسکه سیاسی ضدانقلاب با سوء استفاده زیرکانه از بذرافسانی خود، درخفا طرح کودتا می ریزد. این خنثی بد، یکی دیگر، اولی کسف سد، دومی، والی آخر.

باید با پیگیری در بازجویی و محاکمه دستگیر شدگان، سرخ شبکه پنهان سیاسی را بدست آورد و آنرا چنان درهم کوبید، که دیگر برنخیزد.

بقیه از صفحه ۱

اعتراض عمومی...

وزارتخانه در دوران سی از بیروزی انقلاب تلفی کرد. بهمین جهت باید برای این اعتراض اهمیت خاصی قائل سد. زمامداران جمیوری اسلامی، قتل از آنکه ضدانقلاب بیواند بسود خود از این جریان استفاده کند و مواضع انقلاب را در برابر دشمن بزرگ آمریکای جنایتکار و عوامل سوسرده آن در داخل بضعیف نماید، باید نامن خواسته های بحق قاطبه کارگران را مورد توجه قرار دهند و آنها را برآورده سازند.

روابط بین کار و سرمایه در جامعه کنونی ایران، مسلما یکی از عمده ترین مسائل ویکی از ربه های اصلی حوادث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ما را در مرحله کنونی روابط بین کار و سرمایه، زحمتکشان و سرمایه داران نسکیل می دهد.

بوده های میلیونی مستضعف و زحمتکس در دوران سلط جابرانه طاغوت زیر سیدترین و بیرحمانه ترین ماشین جهنمی اسسما، غارت و ظلم قرار داشتند. اینان، که خود نیروی محرکه اصلی انقلاب را تشکیل می دهند، خواهان آنند که به خواسته هایان در دفاع از کار و زحمت، چنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرراشته، باسح مثبت داده سد. زحمتکشان می خواهند که، با لغو قوانین جابرانه و استعماری دوران طاغوت، در رژیم جمهوری موجبات رفاه و آسایش آنان و برخورداری از حاصل زحمتان فراهم آید.

در برابر آورده های میلیونی زحمتکشان، افسار محدود و معدود، ولی دینفود سرمایه داران کلان و بزرگ مالکان، محتکران و سودجویان قرار دارند. اینان می خواهند دستاوردهای انقلاب را بایمال سازند، جامعه را در جهت تحکیم سلطه سرمایه و استعمار و تقویت مواضع خود سوق دهند. به دیگر سخن، هدف اینان احیاء نظام سرنگون شده، منتهی ادراستال جدید و ظاهر فریب است.

در همه عرصه ها مبارزه ای حیاتی بین این دو نیرو جریان دارد. از آنجا که وزارت کار با یکی از اساسی ترین مسائل جامعه، یعنی روابط بین کار و سرمایه، سروکار دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. متناسب با این نقش، اقدامات و تصمیمات وزارت کار در تقویت و یا تضعیف نیروهای انقلابی و ضدانقلابی تأثیر شگرف می گذارد. بهمین جهت است که، از روی تصمیمات جزئی این وزارتخانه هم نمی توان گذشت، ناطه رسد به تصمیماتی نظیر تغییر و تبدیل در قوانین کار و بیمه و مسائل دیگر مربوط به روابط بین کار و سرمایه مانند همین لغو قانون شرکت کارگران در دریافت سود ویژه و نظایر آن.

امروز اکثریت نیروی قابل اشتغال در جامعه ما را کارگران و زحمتکشان، یعنی کسانی که نیروی کار خود را چه بصورت فیزیکی و چه فکری در معرض فروش می گذارند، تشکیل می دهند. اینان جز دستمزد یا حقوق منبع درآمد دیگری ندارند. انتظار این اکثریت عظیم آنست که، بس از بیروزی انقلاب شرایطی بوجود آورده شود که آنان بتوانند، با دریافت حداقل دستمزد و حقوق متناسب با هزینه زندگی، و افزایش آن بازهم متناسب با هزینه زندگی، به بهبود دائمی وضع زندگی مادی و معنوی خود نائل آیند. و این نیز میسر نخواهد بود، مگر آنکه از جمله قوانین و نظامات ظالمانه دوران طاغوت، که کار و کارگر را در برابر تهاجم و غارت سرمایه و سرمایه دار بلادفاع نگاه داشته بود، تغییر اساسی و بنیادی پیدا کند و قوانینی تنظیم و تصویب گردد که، به زحمتکشان اجازه دهد از زیر استعمار و حشیانه و غارتگرانه خارج شوند و توانائی کامل دفاع از حقوق حق و در سترخ خود را دارا گردند. چنانکه میدانیم چنین توانائی هنگامی در اختیار زحمتکشان قرار می گیرد که آنها بویژه از حق تشکل آزاد در سازمانهای صنفی خود برخوردار باشند و بتوانند قدرت تشکل خود را بشتوانه جلوگیری از تجاوز سرمایه و مهارزدن به افزون طلبی آن در عرصه های گوناگون روابط کار و سرمایه قرار دهند.

دولت و شورای انقلاب و بویژه وزارت کار در یکسال ونیمه ای که از بیروزی انقلاب می گذرد، انقلابی که گفته ام انقلاب کوشنسیان است نه فقط بوظایف خود در تحکیم موقعیت کار در جامعه شی از انقلاب عمل نکرده اند، بلکه بسیاری از اقدامات و مصوبات در این زمینه، بویژه در ماههای اخیر موجبات تضعیف این موقعیت را فراهم کرده است.

شرکت دادن کارگران در دریافت سود ویژه و خرید سهام در دوران سلط طاغوت از اقداماتی

بود که، جز تسدید اسسما و غارت کارگران، بازداشتن آنها از مبارزات اصیل کارگری و تحکیم سلطه رژیم اسنبدادی وابسته هدف دنگری را معصیب نمی کرد. بدی جهت کاملا طبیعی اسب که کارگران زیر بار یوظنه های ضد کارگری رژیم ساه سابق نرفتند. کارگران همیشه برای طرد قوانین و مقررات طاغوتی مبارزه می کردند. تجربه شرکت ۱۵ ساله کارگران در دریافت سود ویژه، از انقلاب کذائی سفید به بعد، به کارگران ایران مایت کرد که آنها از قبل این سود نه فقط درآمد اضافی دریافت نکردند، بلکه قسمت سهمی از دستمزد واقعی خود را نیز از دست دادند. زندگی نشان داد که مکانسیم های قلابی مانند شرکت در دریافت سود ویژه و یا خرید سهام از جانب کارگران، که رژیم سرمایه داری اختراع کرده، جز تسدید اسسما و غارت دسترنج کارگران هدف دیگری را تعقیب نمی کند.

با چنین بینشی نسبت به قانون های طاغوتی، کاملا طبیعی است که کارگران ایران خود بدرستی خواستار لغو این قوانین بوده اند. کارگران قبل از آنکه وزارت کار این مسائل را عنوان کند، تغییرات اساسی و بنیادی را در روابط کار و سرمایه خواستار ندهاند. لیکن سؤالی که مطرح می شود اینست که: مگر تنها سود ویژه است که بدترین قانون طاغوت در دوران سلطه رژیم خیانتکار و ضد کارگری ساه سابق اسب؟ جواب اینست که: سود ویژه و خرید سهام منتهایخی از قوانین ضد کارگری دوران طاغوت، آنهم قوانینی را تشکیل می دهد که به منظور ساکت نگاه داشتن کارگران، و ادار ساختن کارفرمایان به برداخت بخشی از درآمد هائی که از دستمزد کارگران غارت می کردند، ابداع شده است. قوانینی که کارگر را در برابر تهاجم سرمایه و کارفرما بلادفاع نگاه می دارد، بکارگر امکان تشکل صنفی و اسفاده از حق اعتصاب رانمی دهد، حق انعقاد بیمه های دسه جمعی را از کارگران سلب می کند، تحت عنوان اضافه کاری و عدم شمول قانون بر کارگاههای کسماز ده نفر، روز کار ۱۲ ساعته و بیشتر و شدیدترین انواع اسسما را به میلیونها کارگر تحمیل می کند، زنان و کودکان کارگر را در معرض استعمار قرون وسطائی باقی نگاه می دارد، و نظایر این قوانین، که هنوز دست نخورده باقی مانده اند - قوانینی بمراتب طاغوتی تر از سود ویژه است، که وزارت کار از روی "دل سوزی" بحال کارگران بفکر لغو آن افتاده است.

استدلال مسئولین وزارت کار درباره ضرورت لغو سود ویژه و تعیین دوامه با دای بجای آن، نه فقط حقانیت کارگران را تایید نمی کند، بلکه تشاگر عدم اطلاع آنان از مسائل کارگری و یا غرض درجل مسائلی است که کارگران خود بر آنها وقوف کامل دارند.

کسی نادادن یاداس مخالف نیست، ولی اصل مسئله حیز دیگری است. حرف طبقه کارگر این است که، دستمزد واقعی او را بدهند و این در جامعه طبقاتی امروز ما ممکن نیست، مگر آنکه کارگران از حقوق اجتماعی و سیاسی، که وسوسه خانه قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را بر سمیت شناخته، به تمام و کمال برخوردار شوند.

منافع واقعی کارگران، همانطور که در دوران طاغوت با برقراری سود ویژه و دیگر قوانین ظاهر فریب تامین نشد، اکنون نیز با تعیین دو ماه همانطور که در بیانیه ۵۸ شورای اسلامی کارگری و سازمانهای دیگر در اعتراض به مصوبه جدید شورای انقلاب گفته می شود: " تنها سیستم صولی و صحیح دستمزدها بطور عادلانه است"، که منافع کارگران را تامین می کند. امر اخیر نیز می تواند تنها از طریق تنظیم و تصویب قانون مترقی کار، متناسب با اهداف انقلاب ضد امیریالیستی و خلقی، قانونی که با مشورت و نظر خواهی از خودکارگران و سازمانهای اصیل صنفی آنان تهیه و تنظیم گردد، از قوه به فعل در آید. اقدامات وزارت کار و مصوبات اخیر ارگانهای عالی دولتی بیانگر آنست که، در سطح دولت وارگانهای جمهوری اسلامی، رعایت حقوق کارگران و زحمتکشان، آنطور که امام خمینی گفته اند، مطمح نظر نیست. از این گذشته قدمهائی برداشته می شود، که بزبان کارگران و زحمتکشان است. تجربه دوران بس از انقلاب حاکیست که، طبقه کارگر، ضمن اینکه باید مبارزه خود را در جهت سرکوب دشمن اصلی - امیرالایم امریکا و ضدانقلاب داخلی تسدید کند، در عین حال باید به تشکل صفوف میلیونی خود در سازمانهای اصیل صنفی بردارد، تا بتواند از منافع خود درقبال تهاجم سرمایه دفاع بعمل آورد. غیر از این راه دیگری وجود ندارد.

رفیق گرامی وارجمند احسان طبری

درگذشت مهندس ضیاء الدین طبری، برادر آرفیق گرامی وارجمند را، به شما و بازان - ماندگان آن سا دروان، صمیمانه تسلیت می گویم.

نامه "مردم"

بقیه از صفحه ۱

گرانی، زندگی زحمتکشان را...

بالا بردن ظرفیت تولید در واحدهای مشغول بکار و برآه انداختن واحدهائی که بس از انقلاب تعطیل شده اند. در این ارتباط باید از هر گونه کار شکستی مدیران طاغوتی، که مانع جدی در راه افزایش تولید است، قویا " جلوگیری کرد و مواد اولیه و خام مورد نیاز ضایح را تهیه نمود.

۲- مبارزه با تورم وارداتی - پس از محاصره اقتصادی ایران بوسیله امیرالایم امریکا و متحدان آن، قسمتی از کالاهای مورد نیاز از طریق کشورهای ثالث، با قیمتی حدود ۳۰ درصد بیشتر از قیمت واقعی وارد میشود و این امر بنسبه خود به بالا رفتن سطح عمومی قیمتها کمک میکند.

برای مقابله با این امر باید هر چه زودتر قرار دادهای بازرگانی با کشورهای که حاضر به فروش کالا به قیمت های بین المللی هستند، از جمله کشورهای سوسیالیستی، منعقد گردد، تا بعضی از کشورها نتوانند از این موقعیت بضرر ایران استفاده کنند.

۳- اصل ملی شدن بازرگانی خارجی باید بیدرتک بمرحله اجرا در آید و سرمایه داران وابسته که جز بسودهای کلان خود نمی اندیشند، از عرصه بازرگانی خارجی حذف شوند.

۴- تعادل بودجه کشور - یکی از عوامل تسدید تورم وجود کسری در بودجه مملکت است، که رقم آن در سال ۱۳۵۹ حتی بیش از سال قبل است.

برای کمک به بایشن آمدن نرخ تورم لازم است هر چه زودتر با حذف هزینه های غیر ضروری و افزایش درآمدها، بودجه کشور متعادل گردد.

۵- کاهش حجم پول در گردش - پول در گردش بدون توجه به نیاز واقعی اقتصاد کشور، مرتباً در حال افزایش است، تا آنجا که میزان اسکناسهای منتشر شده از ۹۱۲/۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ به مبلغ ۱۰۲۵/۰ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۸ بالغ گردید و این افزایش در ماههای اول سال جاری نیز همچنان ادامه یافت.

بانک مرکزی ایران، که مسئولیت حفظ ارزش پول کشور را بر عهده دارد، باید با استفاده از ابزار های اعمال سیاست پولی، پول در گردش را با احتیاج واقعی بازار منطبق کند و ارقام اضافی را از گردش خارج سازد، تا بدین طریق قدم اساسی در راه کاهش فشار تورم بر داشته شود.

لازم به تذکر است که هم آهنگ با سیاستهای پولی، باید از سیاستهای مالی نیز بهره گرفت و توجه وزارت امور اقتصادی و دارائی را به لزوم تنظیم سیاست مالی، که هدف آن افزایش درآمد دولت از طریق وصول هر چه بیشتر مالیات های مستقیم است، جلب کرد.

۶- تشویق مردم به پس انداز بیشتر از طریق جلب اعتماد مردم به سیستم بانکی و توسل به اقدامات تشویق آمیز باید مردم را به پس انداز کردن نزد بانکها بیش از گذشته ترغیب کرد و در نتیجه امکان سرمایه گذاری در رشته های تولیدی و در ارتباط با آن، کاهش میزان مصرف را فراهم ساخت.

۷- ایجاد فروشگاههای دولتی و شرکتی تعاونی و مبارزه قاطع با محتکران و واسطه ها - با ایجاد فروشگاههای دولتی و شرکتی تعاونی تولید مصرف میتوان از اهمیت نقش واسطه در عرضه کالاها کاست و بتدریج به تولید کنندگان و مصرف کنندگان را ببط مستقیم بر قرار کرد. این اقدام باید بمشابه یک قدم اساسی در راه مبارزه با گران فروشی تلقی کرد، و بر دولت است که هر چه زودتر اقدامات لازم برای تشکل چنین فروشگاهها و شرکتی بعمل آورد. در کنار این اقدام مبارزه جدی با محتکران و گران فروشان از اهمیت اساسی برخوردار است از طریق توسل به این اقدامات میتوان به قابل کردن زندگی در زحمتکشان کمک کرد و ضد انقلاب را نیز که کوشش به بد بینی کردن مردم نسبت به اقدامات اقتصادی دولت دارد، ناکا ساخت.

برای مقابله با تجاوز نظامی امیرالایم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

بازنشستگان فراری - تکیه گاه ضد انقلاب

ندانم‌کاری‌های دولت موقت که به نیک‌بخشی مردم ایران عیش بسر رسید و همه‌ناشی از خصلت سازشکارانه لیبرالی آن بود، اثرات سنگین خود را در تمام زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کشور به جای گذارده است و مرحله سوم انقلاب ما که پس از نطق تاریخی امام آغاز شد، برای رفع این آثار باید راهی بس دشوار طی کند.

لیبرال‌هایی که پس از انقلاب بهمن حکومت را در دست گرفتند، عقیده داشتند که با خلع محمد رضا و برقراری جمهوری، انقلاب پایان یافته است و وظیفه آنان اداره دولت در چارچوب همسایه‌ها و قوانین و مقررات سابق است. پایبندی حکومت موقت به قوانین و مقررات سابق، از عدم اعتقاد آن به انقلاب، انقلابی که هدف اصلی آن درهم شکستن همین قوانین و مقررات بود، ناشی می‌شد. مردم انقلاب نکرده بودند که قوانین و مقررات سابق، که همه آنها به نفع ثروتمندان و صاحبان زور و زر وضع شده بود، هم‌چنان به جای خود باقی بمانند. مسامحه دولت موقت در طرح، تدوین و تصویب قوانین انقلابی، که وضع طبقات حاکم را تغییر دهد و امکانات مادی برای روبرویی با انقلاب را از آنان سلب کند، موجب شد که ضدانقلابیون بتوانند در دوران پس از انقلاب، میلیاردها ریال دیگر به انواع وسایل از ایران خارج کنند و قدرت مالی خود را برای توطئه‌چینی و دسیسه‌های ضد-انقلابی در داخل کشور حفظ نمایند.

اعضای خاندان "خلیل" ده‌ها میلیارد دلار از ثروت خود را قبل از انقلاب به محل‌های امن در خارج از کشور منتقل کردند، امرای "میهن‌پرست" ارتش نیز، که امروز سروصدای "میهن‌پرستی" شان از قاهره و اسرائیل و عراق و لندن و پاریس و واشنگتن به گوش می‌خورد، به بیرونی از "منویات ملوکانه" صدها میلیون دلار به بانک‌های خارجی فرستادند. وزراء و "مستولان" مملکتی نیز از رهبر تاجدار خود عقب‌نماندند. در آن موقع حکومت به دست آنها بود و کسی قدرت نداشت مانع کار آنها بشود.

اما پس از آنکه انقلاب انجام گرفت و دولت موقت سرکار آمد، می‌توانست از خروج این سیل طلا به خارج جلوگیری کند. در دوران پس از انقلاب هواداران رژیم گذشته و سرمایه‌داران وابسته به طرق مختلف میلیاردها تومان از ایران خارج کرده‌اند. بخش بزرگی از این بول‌ها امروز برای ضربت زدن به انقلاب ایران صرف می‌شود. هزاران نفر از وابستگان به رژیم گذشته توانستند با استفاده از همان قوانین و مقررات طاغوتی ثروت‌های بزرگی را به خارج منتقل کنند. امروز صدها هزار ایرانی در کشورهای مختلف غربی زندگی می‌کنند. بخش ناچیزی از آنان را جوانان دانشجو، وابسته به خانواده‌های متوسط و بی‌چیز تشکیل می‌دهند. مابقی آنها در دست از وابستگان متمتع دوران پهلوی هستند که به عنوان مختلف از ایران برایشان ارز فرستاده می‌شود. این آقایان از همان دورانی که "شاهنشاه آریامهر" هنوز بر سر قدرت بود، فکر روز مبادای خود را کرده و هر یک برای خود "گوشه" دنجی در اروپا یا آمریکا تهیه کرده بودند و همه آنها حقوق بازنشستگی خود را به ارز در خارج می‌گرفتند.

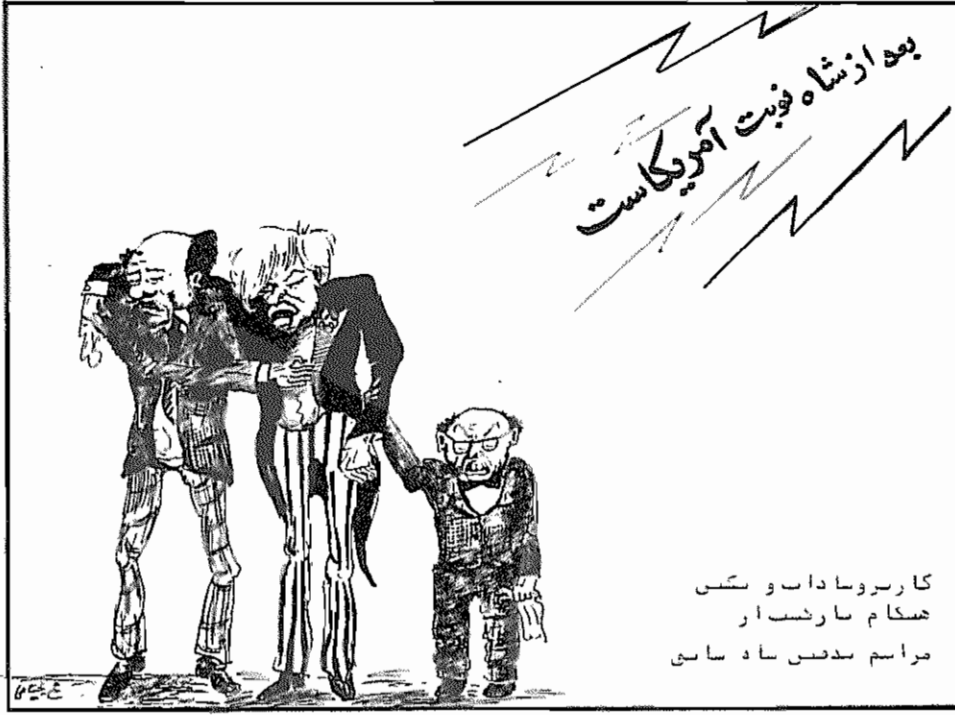
در دوران پس از انقلاب بر سار این باز-نشستگان بخصوص از میان افسران نیروهای مسلح بسیار افزوده شد. رقم دقیق ارزی که به عنوان حقوق بازنشستگی از ایران خارج می‌شود، بر ما معلوم نیست، این را بانک مرکزی ایران می‌داند. اما با در نظر گرفتن اینکه این آقایان چه حقوق‌های گزافی می‌گرفتند و حقوق بازنشستگی آنان نیز به همین میزان بالاست، می‌توان گفت که تا کنون چندین میلیارد ریال از ایران به صورت ارز خارج شده و مستقیم و غیرمستقیم به جیب مخالفان جمهوری اسلامی ایران سرازیر گشته است.

در بین هـ-هـ هزار دانشجوی ایرانی که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا تحصیل می‌کنند، اقلاً ۲۰۰-۳۰۰ هزار نفرشان از همین خانواده‌های طاغوت‌زده مخالف با جمهوری اسلامی ایران هستند، که آنها هم میلیاردها ریال ارز صادر کرده‌اند.

زحمتکشان ایران باید این میلیاردها ریال را که در داخل کشور به آن تا این پایه برای ساندن نیاز دارند، به موجب قوانینی که خود این آقایان وضع کرده‌اند، به آنان باج سپیل بدهند، تا در کشورهای اروپایی و آمریکا، در باشگاه‌ها و انجمن‌های خودشان بنسته برای ایران توطئه‌چینی کنند، مردم این کشورها را بر ضد انقلاب ایران تحریک کنند و گاهی هم سری به ایران بزنند و شبکه‌های ضدانقلاب را به هم مرتبط سازند.

برخی از همین آقایان در مصر و عراق و اسرائیل برای ضربت زدن به انقلاب ایران آموزش نظامی می‌گیرند. آقایان خانه‌ها، بروب و سهام خود را به اقوام و دوستان، که در ایران ساکن

بعد از شاه فبیت آمریکاست



کار رسوای داب و سکس هس کام مارشبار مراسم بدنس تاد سانی



دیدار رهبران حزب کمونیست برتغال و حزب کمونیست بلغارستان

آلوار کونیال، دبیرکل حزب کمونیست برتغال که در مسکو با رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی ملاقات کرده بود، وارد صوفیه پایتخت بلغارستان شد و با تئودور زیوفک، رهبر حزب کمونیست بلغارستان گفتگوهایی بی‌امون اوضاع اروپا و جهان

هستند، سرده‌اند و درآمد‌هایشان را به صورت ارز تحویلی یا از طریق شرکت‌هایی که با خارج معامله دارند، به اروپا و آمریکا منتقل می‌کنند. دستیاران آنان در داخل مبادرت کارهای آنان را به عهده گرفته‌اند و بین ضدانقلاب در داخل و خارج بل زده‌اند.

سلب امکانات مادی از ضدانقلاب، که یکی از قوانین تخلف‌ناپذیر هر انقلاب مردمی است، نه تنها انجام نگرفت بلکه وابستگان به رژیم گذشته، که در دستگاه‌های اداری مربوطه نیز جای گرفته بودند و تمام روح و قلب‌شان شیفته دوران "شکوفایی" گذشته است، تمام تسهیلات لازم را برای تقویت مادی ضدانقلاب فراهم کرده و می‌کنند. سرویس‌های دولتی، شرکت‌ها و موسسات خصوصی کشورهای امپریالیستی نیز به ضدانقلابیون ایرانی از هر جهت، بخصوص در نقل و انتقال ارز، که به سود آنان نیز هست، کمک می‌کنند.

بسیاری از کارکنان سازمان‌های مختلف خارجی (چه اروپایی و چه غیراروپایی) از ضدانقلابیون در ایران به ریال پول گرفته و در خارج (البته با نرخ بالاتر از نرخ رسمی) به آنان ارز می‌دهند. ضدانقلابیون برای خارج کردن ارز قاحق از کشور وسایل مختلف دیگری نیز در دست دارند.

مسامحه دولت موقت در انجام اقدامات قاطعی که باعث سلب امکانات مادی ضدانقلاب بسود، به ضدانقلابیون امکان داد که بسس از انقلاب بخش مهمی از ثروت‌های خود را به خارج از کشور منتقل کنند و نه تنها همان زندگی طفیلی سابق خود را با بول مردم ایران در شرایطی بهتر ادامه دهند، بلکه قسمتی از آن را نیز برای اقدامات مستقیم‌تر بر ضد انقلاب ایران صرف کنند.

به عقیده ما یکی از مهمترین وظایف دولت کنونی انجام اقداماتی است که دولت موقت در اجرای آن مسامحه کرده است. باید امکانات مادی توطئه را از ضدانقلاب سلب کرد. بازگرداندن ثروت‌هایی که محمدرضا و "سرداران"ش دزدیده و از ایران برده‌اند یکی از اقداماتیست که باید در این زمینه صورت گیرد. اما مهمتر از آن جلوگیری از سیل خروج ارز در حال حاضر است. اهمیت مسئله تنها از نظر اقتصادی نیست، بلکه به لحاظ سیاسی نیز باید از خروج ارز، که موجب تقویت ضد انقلاب می‌گردد، جلوگیری کرد. اگر بولی برای تحصیل باید به خارج فرستاده شود، منحصر باید به دست فرزندان طبقات مدافع جمهوری اسلامی برسد. "آقایان" خودشان خرج تحصیل فرزندان-شان را بدهند. آن کس که به حقوق بارسسکی نیاز دارد باید به کشور باز گردد. ولی ما مطمئنیم که حتی یک نفر از فراریان نیز برای گرسنی حقوق بازنشستگی زحمت بازگش به ایران را به خود نخواهند داد. قطع حقوق بازنشستگی فراریان ضد انقلابی اقدامی لازم است. اما از آن مهیتر، سد کردن تمام راه‌هاییست که ضدانقلابیون از ایران ارز خارج می‌کنند. این راه‌ها نیز بکنی دوبا نسب

درجهان سوسیالیسم

کشاورزی رشد یافته در چکسلواکی

یکی از ویژگی‌های کشاورزی چکسلواکی، تولید بزرگ سوسیالیستی، مبتنی بر سطح عالی مکانیزاسیون است. در بخش کشاورزی این کشور ۱۳/۹ درصد زحمتکشان آن کشور اشتغال دارند (در سال ۱۳۲۷، این رقم ۴۰/۴ بود).

کشاورزی چکسلواکی قسمت اعظم نیازمندیهای غذایی مردم آن کشور را تأمین میکند و منبع مواد خام برای برخی از رشته‌های صنعتی است. برخی از فرآورده‌های کشاورزی چکسلواکی، از جمله شکر، صادر نیز میشود. بخش سوسیالیستی کشاورزی چکسلواکی، که ۹۴/۲ درصد زمین‌های کشاورزی را در برمیگیرد، دوشکل عمده دارد: نمائنی‌های کشاورزی و پنگاه‌های دولتی. در سال ۱۳۵۵، ۶۳/۵ درصد اراضی کشاورزی در اختیار ۲۰۹۹ تعاونی کشاورزی و ۲۰ درصد زیر نظر ۱۹۳ بنگاه دولتی بود. ۱۰۰ تاکنین زمین زیر کشت تعاونی‌ها و پنگاه‌های دولتی برتیب ۲۰۰۰ و ۲۰۹۹ هکتار بود.

۴۴/۶ درصد تولید کشاورزی محصول گیاهی و ۵۵/۴ درصد فرآورده دامپروری است.

مهم‌ترین بخش‌های دامپروری چکسلواکی پرورش گاو، خوک و طیور است. عمده‌ترین محصولات گیاهی، غلات، بویژه کتله (در سال ۱۳۵۵، ۴۸۰۶۹۵۶ تن) است. کشاورزی چکسلواکی همچنین انواع جو و چاودار تولید میکند. تولید چغندر قند و سیب‌زمینی در چکسلواکی برتیب ۵۲۴۷۵۷۳ و ۲۱۴۱۱۶ تن است.

درجهان سرمایه‌داری

راهپیمائی دانمارکی‌ها علیه بیکاری

چند روز پیش «دفتر آمار بازار کار» در کپنهاگ اعلام کرده که در ماه آوریل بیش از ۱۰۵۰۰ دانمارکی بیکار بودند. سی‌ویک هزار نفر از اینان بیش از شش ماه است، که در جستجوی کار هستند.

از سوی دیگر، بگزارش «سالنامه آمار ۱۹۷۹»، که همزمان با گزارش «دفتر آمار بازار کار» منتشر شد، در سال گذشته ۵۷۸۰۰۰ دانمارکی بوعی از بلیه بیکاری متاثر گردیدند. این گزارش «بیکار نمونه‌وار» را زنان ۲۰۰۲۴ ساله می‌خواند و می‌افزاید که ۱۶/۸ درصد زنان در این گروه سنی بیکار بودند.

در جنبش سندیکایی دانمارک، هر چه بیشتر این ندا برمی‌خیزد، که زحمتکشان باید در مبارزه علیه این پدیده شوم جامعه سرمایه‌داری متحد شوند. برای نمونه، سینتاری که جندی بیش در «آرروس» برگزار گشت، همه سازمانهای سندیکایی را فرا خواند تا در روزهای ۱۸ - ۶ شهریور در راهپیمایی علیه بیکاری شرکت کنند. تزاراست، که این راهپیمایی سرآغاز بسیج جنبش سندیکایی علیه سیاست اقتصادی بیکاری پرور دولت دانمارک باشد. بیش از ۲۰۰ اتحادیه حرفه‌ای در راه پیمایی نامبرده شرکت خواهند کرد.

امریکا اکنون آسکارا به باندهای ضدانقلابی

افغانستان کمک می‌کند

امپریالیسم آمریکا، که توطئه و فتنه خود را برای نابود کردن انقلاب افغانستان با سکت روبرو می‌بیند، تلاش‌های مذبحخانه خود را برای خرابکاری در انقلاب این کشور افزایش داده و از جمله تصمیم گرفته‌است که تحت دستاویزهای باصطلاح بسردوستانه، باندهای ضدانقلابی افغانی را در پاکستان هر چه بستمسرح کند.

دولت کاتر اعلام کرده‌است که ۱۹ میلیون دلار دیگر بعنوان «کمکهای انسان دوستانه» در اختیار «افغان‌ها» قرار خواهد داد. دولت آمریکا قبلاً اعلام کرده بود که ۲۵ میلیون دلار در اختیار «افغانها در پاکستان» قرار خواهد داد.

امپریالیسم آمریکا، که تاکنون بسرمانه هر نوع «کمک» به باندهای افغانی را نکدیپ می‌کرد، با توجه به حقایق غیرقابل انکار، اکنون مجبور شده است که همکاری با گروه‌های افغانی را نایید کند. کمکهای مسقیم آمریکا به باندهای ضدانقلابی تحت دستاویزهای متعددی همچون «کمکهای بسردوستانه» (!) صورت می‌گیرد و کمکهای غیرمسقیم نیز مانند کدسه از طریق رژیم دست‌نسانده «غنا»-الحق در اخسار باندهای افغانی فرار می‌گیرد.

و همکاری‌های هر چه بسیر دوحرب احام داد. رهبران احزاب کمونیست برتغال و بلغارستان، در جریان این ملاقات کترس تسنج‌زدایی و جلوگیری از افزایش مسابقه تسلیحاتی را وظیفه‌ای بسیار مهم دانستند و اعلام کردند که لازم است باتمام قوا از بازگشت جهان به جنگ سرد، که محافل امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، خواهان آن هستند، جلوگیری کرد.

رهبران دوحزب برادر و لزوم تحکیم هر چه بیشتر همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و همکاری میان همه نیروهای انقلابی جهان و تحکیم اقدام یکارچه نیروهای دموکراتیک و صلح دوست را برای استقرار صلح و خلع سلاح مورد تاکید قرار دادند.

کونیال و زیوفک آمادگی دوحزب را برای گسترش همکاری متقابل براساس مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری اعلام کردند.

ویلیام کانتن، دبیرکل حزب کمونیست کانادا، که شاهد برگزاری بازیهای المپیک مسکو بود، گفت: «این بازیها یک موفقیت بسیار بزرگ در راه بسیرد آرمان صلح و همبستگی جوانان و ضربه‌ای بسیار شدید به سیاست جنگ سرد امپریالیست‌ها بود».

دبیرکل حزب کمونیست کانادا تاکید کرد که سیاست امپریالیسم آمریکادرمورد تحریم بازیهای مسکوباشکستی بسیار فاحش روبرو شد و در اس‌مان دنبالروری کاناداز آمریکا با ناسف شدید محافل اجتماعی کانادا روبرو شد. وی گفت که اما مردم کانادا از این رویداد درس گرفتند و بیش از این به امپریالیسم آمریکا اجازه نخواهند داد که بسرمانه درامورد داخلی این کشور مداخله کند.

دبیرکل حزب کمونیست کانادا یادآور شد که تدارک برای برگزاری بسبب و تسنیم کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی با علاقه فراوان در کانادا دنبال می‌شود، زیرا کنگره‌های حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره مبسر صلح و همکاری بوده است.

سیاست خارجی یکن تجاوزکارانه و برتری طلبانه است

سمبوزیوم مسائل چین و هند در دهلی‌نوبه کار خود پایان داد. در این سمبوزیوم با ارائه اسناد و مدارک نشان داده شد که سیاست خارجی یکن سیاستی تجاوزکارانه و برتری طلبانه است. از جمله سیاست ماثوئیس‌های یکن در مورد تجاوز علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، کمک به بقایای باند جنایتکار بول بوت - ینگ ساری و صلح کردن ضدانقلابیون افغانی تسیدا محکوم شد.

در جریان مناخات سمبوزیوم بر روی این مسئله تاکید شد که روند نزدیکی آمریکا و چین، راس و ناکستان برای استقلال و مبارزه آزادی بخش خلق‌های منطقه بویژه خطرناک است. سمبوزیوم همچنین ادامه اسعال هزاران کیلومتر از خاک هند را بوسله نیروهای حسی محکوم کرد.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلایل و محتکران است

کارخانه‌های گچ‌پزی برازجان

(گورستان انسانی که ایستاده میمیرد)

مسائل کارگری

— درموقع کاروسایل ایمنی دارید؟

— "خیرآقا، مدت‌هاست که اداره کار

ازکارفرما خواسته است تا برای کارگران

لباس کار تهیه کند، اما تاکنون هیچ اقدامی

دراین مورد انجام نگرفته است."

— هرروزچه فاصله ای راتاکارخانه طی

میکنی؟

— "درحدود ۴ کیلومتر، چون من هرروز

ازروستای دهقانیدیا بین جامیآیم."

یکی دیگر از کارگران، آقای حسن

طلاییان است، که حدود ۳۰ سال دارد و

حقوق روزانه ۷۰۰ ریال یک خانواده

۹ نفری را اداره میکند (خود و زنش با ضافه

۲ دختر و ۵ پسرش). مدت ۸ سال است در

این کارخانه کار میکند و با پرداخت

ماهانه مبلغی معادل ۱۴۰۰ ریال بیمه

شده و از مزایای آن استفاده میکند.

اگر کارگری ۳ ماهه روزی بطور مرتب

در کارخانه کار کند، می تواند تقاضای

بیمه کند.

طلاییان چون حقوق کفایت زندگیش را

نمیکنند، اکثر اوقات کاری را بیش فروش

میکند. (یکی دیگر از شرایط بیمه شدن

داشتن ۱۸ سال سن است). پس از انقلاب،

در مورد بیمه کارگران اقداماتی انجام

گرفته است. با نهاد دفترچه بیمه ندادند،

ولی کارگر درموقع مریضی می تواند بابت

بیمه برو دوگواهی بگیرد. این امر مورد

اعتراض آقای طلاییان است. میگوید:

"با توجه به ساعت کار اداره بیمه،

که تا ساعت ۱ بعد از ظهر است، اگر ما مریض

شویم، با بدنتا فردا صبح میرسیم، در حالیکه

اجل صبر نمیکنیم."

وی نسبت به حداقل دستمزد اعلامی

از طرف وزارت کار (مبلغ ۶۳۵ ریال)

اعتراضی دارد و میگوید:

"این کفاف زندگی یک کارگر با

خانواده اش را با توجه به گرانی روز افزون

اجناس مورد نیاز ما نمیکنند."

وی در ضمن خواستار ۸ ساعت کار

روزانه طبق قانون کار است.

کارخانه بعدی متعلق به آقای

استادزاده است، که فعلاً (تابستان) سراسر

۱۲ ساعده کارخانه را در غیاب بدران

میکند. این کارخانه در شرق برازجان و در

کنار دبیرستان طالقانی قرار گرفته است.

دو داین کارخانه و کوره گز گری ای

که در کنارش قرار گرفته، با عب ناراحتی و

عذاب مردم دانتش آموزان است.

با کارگری بنام اسحاق صداق

(۲۱ ساله)، که نان آوریک خانواده ۱۰

نفری است و از بیسوادی سخت رنج میبرد،

به صحبت مینسینیم. مشکلات همان

است و خواستهای او خواستهای

توجه مقامات مسئول را به وضع این

کارگران زحمتکش و محروم جلب می کنیم.

چپ نمایان و کوره‌های آجرپزی مهاباد

اخبار کارگری

همه میدانیم که در برابر محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم، که از ابزارهای شکست انقلاب ایران است، چه با بدکرد. اما خمینی و نیروهای اصیل انقلابی، از جمله حزب توده ایران در این باره از کارگران خواستند که تمام سعی و کوشش خود را در جهت کار بهتر تولید و با روری بیشتر بکار ببرند، و ا لحق که کارگران، این با سدا ران واقعه سی دستاوردهای انقلاب، تمام کمبودها و مشکلات را به جان خریدند و ندان به جگر گذاشتند و به وظیفه انقلابی خود عمل کردند.

ولی گروهکهای چپ نما، همگام با سرما بداران وابسته، همزمان با تحریم اقتصادی امپریالیسم و استفاده از مشکلات بعد از انقلاب و ا همال و سستی بعضی از مسئولین دولت در مورد عدم رسیدگی به خواستههای کارگران و ایجاد زمینه ناراضی در میان آنها، از هیچ عمل ضد انقلابی در جهت اخلال و کارکنی در تولید و یا در جهت و به تعطیل گشاندن مراکز تولیدی فروگذار نکردند. بعد از انقلاب، کردستان به علت فقر و عقب ماندگی اقتصادی، بویژه کسب و کارخانه ها و موسسات تولیدی و صنعتی و در نتیجه ضعف کمی و کیفی طبقه کارگر از یک سو، مسامحه و عدم رسیدگی دولت در برسمیت شناختن حقوق حقه این مردم رنج دیده از سوی دیگر، به محیط مناسی

فعالیت‌های گروه‌ها و انجمن‌های افغانی

در ایران به نفع کیست؟

در خراسان از پیشاور دریافت می‌کنند، از منابع آمریکایی و "سیا" است و مستشاران و ما موران "سیا" آمریکا از این طریق به عمل خود در ایران بوسیله افغانی‌های مقیم ایران در تماس هستند و آنان را اداره و راهنمایی می‌کنند در حمله مسلحانه‌ای که همین جندی پیش به یک یادگان نظامی در تهران بقصد تصرف یادگان انجام گرفت و با درگیری مسلحانه‌ای که بیش از هفت ساعت ادامه یافت، پنج تن از مهاجمان دستگیر شدند، که طبق اطلاع رسمی منتشره در مطبوعات، یک تن از مهاجمان دستگیر شده افغانی بوده است.

شرکت یک افغانی در این حمله مسلحانه به یادگان نظامی در ارتباط با اطلاعیه دادگاه انقلاب مشهد در مورد تعطیل دفاتر جمعیت‌های افغانی به علت فعالیت‌های غیر قانونی اعضای آن و ارتباط آنها با منابع آمریکایی، ماهیت این دفاتر جمعیت‌های افغانی و اعضاء و افراد وابسته به آنها را خوبیی افساء می‌کنند و آنکارا نشان می‌دهد که عنوان "اسلامی" که این جمعیت‌ها و گروه‌های افغانی بر روی خود نهادند، استار مناسی است جهت پرده پوشی فعالیت‌های جنایتکارانه و ارتباط آنها با عناصر و نیروهای ضد انقلاب در درون کشور و منابع جاسوسی آمریکایی در درون کشور و خارج از آن.

در شرایطی که از جانب امپریالیسم آمریکا توطئه جدید بزرگی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده می‌شود و تمام نیروها و امکانات ضد انقلاب در درون کشور جهت اجرای این طرح بکار گرفته می‌شود، بدون تردید وجود گروه‌ها و جمعیت‌های افغانی و فعالیت‌های اعضاء و افراد وابسته به این گروه‌ها از مسائل مناسی است که می‌توانند در اجرای این طرح بکار گرفته شوند.

ارگانها و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران موظفند در چنین شرایطی، با توجه به هویت مسکوک این سازمانها و جمعیت‌های افغانی و فعالیت‌های مخرب و شرکت‌ها و افراد وابسته به آنها در سرقت‌های مسلحانه، قتل و خرید و فروش مواد مخدر و اسلحه، از فعالیت آنها جلوگیری بعمل آورند و این وسیله ضد انقلاب و مسیح ارتباط با اعمال آمریکایی در درون کشور را خنثی کنند.

فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های افغانی در ایران، که همه خود را "اسلامی" اعلام کرده‌اند، طبق گزارشها و اخباری که اغلب در مطبوعات کشور انتشار می‌یابد و نیز در بیانات پاره‌ای از مقامات مسئول به آنها اشاره می‌شود، فعالیت‌هاست مسکوک، زبان آور و در موارد بسیاری علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران این گروه‌ها و انجمن‌ها، علاوه بر فعالیت‌های عملی، به انتشار اعلامیه و بیانیه نیز می‌پردازند و فعالیت‌های نشریاتی و تبلیغاتی پر-دامنه‌ای دارند، که اغلب آنها در مطبوعات کشور هم با زتاب می‌یابد.

افراد وابسته به این گروه‌ها و انجمن‌های به اصطلاح اسلامی، که فعالیت‌های خود را در ارتباط با رویدادهای افغانستان و جنبش مسلمانان افغانستان "علیه دولت قاسمی آن کشور" توجیه می‌کنند، طبق اخبار منتشر شده در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، اغلب به جرم سرقت، قاچاق مواد مخدر، خرید و فروش اسلحه، رواج فساد و غیره از طرف مقامات و ما موران انتظامی دستگیر و مجازات می‌شوند. فعالیت‌های سیاسی این گروه‌ها و انجمن‌ها نیز کاملاً مسکوک و مغایر با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. در اطلاعیه‌ای که جندی سبسی از جانب حجت الاسلام صفائی، رئیس دادگاه انقلاب و فراماده ساه ساداران مشهد، مبنی بر بستن دفاتر جمعیت‌های اسلامی اعلامی است در مشهد، مادر کردید، تهریح شده است که، افراد وابسته به این جمعیت‌ها به قاچاق مواد مخدر و اسلحه

می‌پردازند و سران آنها با عمسائل جاسوسی امپریالیسم آمریکا در تماس هستند.

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان با اردوگاه فراریان افغانی در سیماور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در سیماور را اجرا می‌کنند، در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در سیماور در پاکستان توسط ما موران سرسنا اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نشا می آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

گزارشی از کارخانه برق سنندج

در این نیروگاه تعداد ۸۰ نفر کارگر در دو کارگاه کار می‌کنند. یکی از کارگاهها داخل شهر و دیگری در کربیزه واقع است. این کارگران اتحادیه ندارند، ولی بحث بوسه بیمه‌های اجتناعی هستند. اکثر کارگران غیر متخصصی هستند. آنها در ابتدا بصورت کارگر ساده استخدام شده اند و در سال گذشته چهار ماه آموزشی داده شده است. سطح سواد اغلب کارگران سواد ابتدائی است و حداقل حقوق آنان ۲۵۰۰ تومان است. این کارگران با سایر کارگران سرکب منطقه‌ای بر ارتباطی ندارند. نیروگاه سه سیفت هست ساعت کار دیکه دو ساعته است و در آن وجود ندارد. در طول سالهای گذشته، کارگران با انتخاب نماینده و بازاری روی خواستهای خود، توانسته اند منبازاتسی کسب کنند. اما بعلت اوضاع سیاسی آشفته گردستان و بخصوص سنندج فعالیت صنفی ضعیف شده است.

اعضای شورای شهر مهاباد در مورد رسیدگی به مشکلات کارگران کوره‌های آجرپزی، توافق‌هایی بین کارگران و کارفرمایان آجرپزی "گردستان" و "اتحاد" بعمل آمده، که عین آنرا در زیر می آوریم: متن توافقنامه، برخی از اعضای شورای شهر و کارگران و کارفرمایان در آجرپزی گردستان (۵۹/۴/۳۱).

۱- کلیه آجرهایی که تا حال در میدان وجود دارد، توسط کارفرمایان قابلیداران تحویل گرفته شود. ۲- قرار است از روز سه کارگران قابلیداران آجرپزی در روز یکشنبه روز زمین آجرپزی در روز دوشنبه و دوشنبه در روز سه طرف سورا به محل کار بر روند و در صورت قابل استفاده بودن آجر، کارگران به کار خود ادامه دهند.

درباره اتحادیه تاکسی رانان سنندج

اس اتحادیه در راه رای ۱۷۰ عضو است و از طرف سیرداری به رسمیت ساخته شده است. مساع به علت انتخاب ضابطه با درست و بوجهه روابط دوستی و سابقه و این فسل معیارها، اکبر! اعضای هیئت مدیره با استفاده از نفوذ شخصی انتخاب شده اند و هم‌نهایی هستند که در زمان بریم منحوس گذشته همه کاره اتحادیه بودند.

اعضای این اتحادیه تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و حقوق بازتستکی هم ندارند. اتحادیه جلسات منظمی ندارد و با اینکه تومبیل‌های شخصی در سطح شهر گرایه کشی می‌کنند، اتحادیه تاکنون اعتراضی نگردا است.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

۳- دوروز حق اعتصاب کارگران به روال کارگر در روزهای قبلی حساب و به کارگران پرداخت گردد. متن توافقنامه کارگران آجرپزی اتحادیه کارفرمایان و نماینده سورای انقلاب اسلامی شهرستان مهاباد (۵۹/۴/۳۱). ۱- کلیه طلب قابلیداران از تاریخ ۵۹/۴/۳۱ به مدت ده روز پرداخت گردد. ۲- دستمزد سه روز حق اعتصاب کارگران به روال دستمزد کارگر در روزهای قبل. ۳- دستمزد کارگران ماه به ماه پرداخت گردد، و اگر کارگران بول لا زم داشتند بصورت مساعه در اختیارشان قرار گیرد. ۴- کارفرما متعهد می‌شود که وسایل کار را در اختیار کارگران قرار دهد.

آماده باش!

فاتحه بزرگ مالکی خوانده میشود

خواست‌های خود را بهتر تحقق بخشید و بتوانید نیروی شوید. اگر متحد باشید نیرومند خواهید بود و خواست‌های حقه خود را به کرسی خواهید نشاند.

دهقانان عزیز!

آمادگی خود را در این آخرین روزها برای اجرای اصلاحات ارضی، دوچندان کنید. شکوفایی انقلاب ایران ارتباط نزدیکی به اجرای دقیق و همه‌جانبه و سریع قانون اصلاحات ارضی دارد، به نحوی که ریشه فاسد بزرگ مالکی برچیده شود.

رسیدن حق به حق‌دار مراحل مختلف دارد. در مرحله کنونی مهم‌ترین مسئله شما همین از بین بردن زمین‌داران بزرگ است و حالا که علی‌رغم تمام مشکلات و موانع، سازمان‌های مسئول جمهوری اسلامی ایران در حال اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند باید با آن مخالفان و کارشکنان و عمال ارباب و روحانی‌نمایان مقابله کنید.

وظیفه شماست که از قانون و اجرای آن و از حکومت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران به رهبری امام خمینی دفاع کنید و سعی کنید هر چه زودتر و کامل‌تر قانون به سود شما عملی شود.

نیروهای مترقی و مؤمن به هدف‌های انقلاب، نهادهای انقلاب و روحانیون راستین در شهرها و دهات در کنار شما ایستاده‌اند. قوای ضدانقلاب و نوکران بی‌نقاب و نقاب‌دار آنان نیز بانام‌های گوناگون در مقابل شما قرار گرفته‌اند.

روزنبرد و گرفتن حق است.

هر چه زودتر فاتحه بزرگ مالکی را بخوانیم.

همه با هم در راه اجرای

قانون اصلاحات ارضی به پیش!

نگذارید دست به خرابکاری بزنند.

دهقانان عزیز!

شیطان بزرگ با اتحاد شما مخالف است، چون از قدرت شما هراس دارد، اگر شما اتحادیه خودتان را تشکیل دهید می‌توانید هم جلو خرابکاری‌های شیطان بزرگ و کوچک (مالکان) را بگیرید و هم زمین‌ها را خودتان بدست آورید و حق را به‌حق‌دار برسانید. این مهمترین کار شما در سرکوب شیطان است.

شیطان بزرگ امریکا توسط رژیم دست‌نشانده‌اش و شیطان کوچک (ارباب) مشکلات فراوان برای شما به یادگار گذاشته‌اند. شما باید دست به دست هم دهید و با تشکیل اتحادیه دهقانی دشواریها و خواستهای خود را بیان کنید و به مراجع دولتی و نهادهای انقلابی مراجعه کنید.

انقلاب بزرگ ایران مال خود شما زحمتکشان و به‌قول امام کوخ‌نشینان است. دیگر دور دور کاخ‌نشینان و اربابان نیست. حالا دیگر همه چرخها باید به سود شما بچرخد. فراموش نکنید که بدون اتحاد و مبارزه، بدون مراجعات بی‌در پی و پیگیری و یاری رساندن و یاری گرفتن از نهادهای انقلابی که صادقانه و با جان بازی می‌خواهند بشما خدمت کنند، دشواریهای شما حل نخواهد شد. برای آنکه بر آثار شوم باقی مانده از شیطان بزرگ و طاغوت پیروز شوید متحد باشید.

انقلاب ایران دولت جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی، و مردم انقلابی ایران در کنار شما و پشتیبان شما هستند. شما حتما بر شیطان بزرگ (امریکا)، و شیطانهای کوچک (اربابان و مالکان)، پیروز خواهید شد.

اربابان، به باری جهاد بشنابید.

۳- اگر مالکان دست به توطئه زدند سپاه پاسداران را فوری آگاه سازید و از مزارع و محصول و خرمن‌ها و انبار و ماشین‌آلات محافظت نمایید. این‌ها ممکن است دست به جنایت و خرابکاری بزنند. بیدار باشید و جلوی آنها را با کمک پاسداران غیور بگیرید.

۴- در صورت بروز خطر از جانب مالکان بزرگ و چماقداران و عوامل مسلح آن‌ها مثل تن‌واحد برخیزید، بیل و کلنگ به دست بگیرید و از همه امکانات استفاده کنید و در مقابل ضدانقلاب ایستادگی کنید و دوشادوش مبارزان جهاد سازندگی و سپاهیان پاسدار انقلاب توطئه‌ها را درهم بشکنید.

۵- از هر گونه درگیری و اختلاف و نفاق بین خودتان و گروه‌های مختلف دهقانان خردپا بهره‌بریزید. همه شما در مبارزه علیه زمین‌داران بزرگ متحد باشید، مانند یک مشت بهم فشرده.

۶- سعی کنید با کمک هم بر روی زمین‌هایی که با مالکیت مشاع به شما داده می‌شود، تعاونی درست کنید و برادر وار کار کنید و ثمره بیشتر ببرید.

۷- اتحادیه‌های خود را تشکیل دهید و دهقانان دیگر را با خودتان متحد سازید، تا

خود شما است تا هر چه زودتر و قاطع‌تر لاشه

این میت را از ده بیرون اندازید. به قول حافظ «بر او نمرده، به فتوی من نماز کنید».

آری دهقانان زحمتکش ایران، از همین حالا نماز میت بزرگ مالکان را بخوانید! و فصل تازه‌ای را در زندگی خودتان و کشور عزیزمان ایران آغاز کنید.

آماده باشید و فعالیت کنید!

به نکات زیر توجه کنید:

۱- دور هم گرد آید، در هر جایی که همه معمولا جمع می‌شوند باز جمع شوید. اگر کمیته‌های دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین دارید همه به دور کمیته جلسه‌ای درست کنید. اگر هم ندارید جمع شوید و صحبت کنید. در این باره که قانون اصلاحات ارضی همین روزها باید در دهات شما هم اجرا شود بحث کنید. برای اجرای اصلاحات ارضی به سازمان‌های دولتی رجوع کنید. نمایندگان خود را انتخاب کنید که در هیئت هفت نفری مدافع نظریات شما باشند.

۲- در صورت پیدا شدن مشکل به مبارزان جهاد سازندگی رجوع کنید و از آنان بخواهید تا شما را یاری دهند هم چنین اگر آنها از شما کمک خواستند به فوریت برای مقابله با

دهقانان عزیز!

به کوری چشم ضدانقلاب که توطئه شوم کودتای نظامی‌اش درهم شکسته شد و علی‌رغم تهدیدهای شاپور بختیار «این نوکر بی‌اختیار» شیطان بزرگ آمریکا، که آرزوی نحس خود را به گور خواهد برد، اصلاحات ارضی در حال انجام است. هیئت‌های ۷ نفره تشکیل شده و می‌شود و واگذاری زمین‌ها دارد عملی می‌شود. انجام اصلاحات ارضی، یعنی کندن ریشه‌های زمین‌داران بزرگ و خوانین، یعنی زمین‌دار شدن همه دهقانان تپه‌دست، این کار، اگر به همت و هشیاری شما عملی شود ضربه‌ای جدی است به ضدانقلاب که چشم ناپاک اپرالیسم را کورتر خواهد کرد و انقلاب بزرگ ما را پیروزمندتر. علی‌رغم توطئه‌های بزرگ مالکان، و سوسپاشی «چپ‌نماها» و مقاومت روحانی‌نماها و دارودسته طاغوتی که در دستگاه دولتی لانه کرده‌اند و همه مانع کار می‌شوند، همه با هم باید بکوشیم تا در آینده نزدیک فاتحه بزرگ مالکی در ایران خوانده شود. همه شما باید نظارت بکنید و آماده باشید تا با تکیه به این حق قانونی خود و با حمایت نهادهای انقلابی نظیر سپاه و جهاد و همه نیروهایی که طرفدار حقوق شما هستند فاتحه بزرگ مالکی خوانده شود. این بسته به

دهقانان و شیطان بزرگ



دهقانان عزیز!

امام خمینی رهبر انقلاب ایران گفته است: «شیطان بزرگ آمریکاست».

این شیطان بزرگ نوکرانی در ایران دارد که در روستاها مالکان بزرگ هستند و توسط آنها نقشه‌های شیطانی خود را انجام می‌دهند و با تکیه به آنها توطئه می‌چینند و میخواهند ما را نابود کنند.

بنابر این تا این شیطان بزرگ، یعنی آمریکا را، از بین نبریم، نوکران‌شان را که مالکان بزرگ باشند نابود نکنیم، راحت نخواهیم شد.

مالکان بزرگ در روستا چه می‌کنند؟ شما بهتر از همه میدانید. آنها محصول شما را می‌برند و خود را صاحب زمین‌های مزروعی میدانند که در اصل مال شما و پدران شما بوده و با توسط پدرانشان دزدیده شده و به ارث به آنان رسیده است یا خودشان به زور یا به حيله از شما گرفته‌اند.

حالا جمهوری اسلامی میخواهد اصلاحات ارضی کند و زمین‌های زراعی را از آنان که غصب کرده بودند، بگیرد و به شما واگذار کند که صاحب واقعی آن هستید. البته همه زمین‌های زراعی باید مال کسی باشد که روی آن کار می‌کند. اگر زمین محمول می‌دهد نتیجه زحمت شبانه‌روزی شماست.

ولی شیطان بزرگ آمریکا با اصلاحات ارضی مخالف است. نوکرانش، یعنی بزرگ مالکان نیز مخالفند، طرفداران آنها در لباس‌های مختلف چوب‌لای چرخ می‌گذارند. آنها هر شغل و لباسی که داشته باشند شیاطین امریکایی هستند، کار شیطانی آمریکا را انجام می‌دهند. پس مواظب باشید! هشیار باشید!

دهقانان زحمتکش!

آمریکا این شیطان بزرگ در حال دسیسه و توطئه است. همه را از این امر مطلع کنید، بهم خبر دهید، مواظب شیطان بزرگ و نوکرانش، مالکان بزرگ باشید.

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین!

کمیته‌های خود را تشکیل دهید، و فوراً برای اجرای اصلاحات ارضی اقدام کنید. به هیئت‌های مأمور این کار مراجعه کنید، نمایندگان خود را پیش حاکم شرع بفرستید. به مراکز سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، این نهادهای انقلابی ایران که به شما صاف خدمت می‌کنند رجوع کنید. به آنان یاری کنید. از آنها یاری بخواهید تا واگذاری زمین هر چه زودتر اجرا شود و بای نوکران شیطان بزرگ از روستاها کوتاه گردد. ریشه فساد در روستاها

اربابان و خوانین هستند. با کمک قانون‌ویاری نهادهای انقلابی و به همت خودتان این ریشه فساد را برکنید.

در قهوه‌خانه‌ها و مساجد و هر جا که می‌توانید تجمع کنید، اعلان بنویسید و در دیوارهای ده و مساجد بچسبانید که:

«ارباب نماینده شیطان بزرگ آمریکا است».

«دست مالکان بزرگ از ده کوتاه».

فراموش نکنید که امام خمینی گفته است: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و اگر نوکرانش، مالکان و اربابان، خواستند خرابکاری کنند، فوری به جهاد سازندگی و سپاه پاسداران مراجعه کنید. در صورت لزوم با بیل و کلنگ و داس جلوی عمال شیطان بزرگ بسایستید و

ایستگاه ۷ آبادان: فقط فقر، فقط گرسنگی

ساکنین ایستگاه «۷ آبادان» هر لحظه در انتظار ریزش سقف آلودگیهای خود هستند.

حول وحوش شهرهای بزرگ ایران را خرابه‌ها بی بی در بر گرفته اند، که تجسم عینی تمدن بزرگ آریا مهربی است! خرابه‌ها بی که بخش عظیمی از زحمتکشان این موز و بوم را در بر گرفته اند و از مکانات رفاهی کاملاً بی بهره اند. خرابه‌نشینان ایستگاه ۷ آبادان از این دسته اند. رنجبرانی که مهم‌ترین کار زندگی‌شان چشم دوختن به سقف کاغذی آلودگی است و سؤال همینگی شان اینست: این سقف کی خواهد ریخت؟

محل ایستگاه ۷، که پشت سندیگای کارگران پروژه ای در شهر آبادان قرار دارد، در چند کلمه خلاصه و تصویر می‌شود: فقر، گرسنگی، کثافت، مگس، سقف‌های متزلزل، کف‌های خالی و جیب‌های خالی تر. ساکنین آلودگی‌های کاغذی این منطقه تابستان‌ها از گرمای پزندوزمستان‌ها، در حالیکه از سرما می‌ترزند، به جگه‌های آب، که از اینجا و آنجا آلودگی‌ها فرو می‌ریزد، با دل‌سهره می‌نگرند.

مردان این محله یا بیکارند یا بیهوشی نظیر کارگری ساختن مشغولند، که البته بعلمت متوقف شدن کارهای ساختمانی و بسته شدن شرکت‌های خصوصی، تعداد بیکاران محله‌سازان انقلاب افزایش زیادی یافته است. اهالی این محل اکثراً "عرب هستند."

دیدار از ایستگاه ۷ آبادان

از کوزه‌های خاکی و تنگ و یاریکی می‌گذریم. لجن و آشغال سراسر کوزه را سر کرده است. به یکی از خانه‌های گلی می‌رویم. زن جوانی، که بچه کوچکی را در آغوش دارد، به استقبالمان می‌آید. فرزند او کودکی زرد و بیمار است که مگسها بر روی صورتش کشفش به نازی مشغولند. از زن جوان سؤالاتی در مورد وضع زندگی می‌کنیم.

"شوهرم قبل از انقلاب سرباز بود. حاله سربازی تمام شده، بیکار است. چهار بچه دارم و در خانه پدر شوهرم زندگی می‌کنیم. بیشتر روزها هیچ چیز نداریم که بخوریم."

وضع خانه‌ها اسفناک است. به دیوارهای خانه که دست می‌زنیم، خاک می‌ریزد. زن جوان می‌گوید:

"هران منتظریم که خانه روی سرمان خراب شود. هر چند بار که آب بالایی آلودگی‌ها را می‌پوشاند، مجبوریم چند روزی خانه را ترک کنیم و چند روزی در به در باشیم، تا دوباره خشک شود."

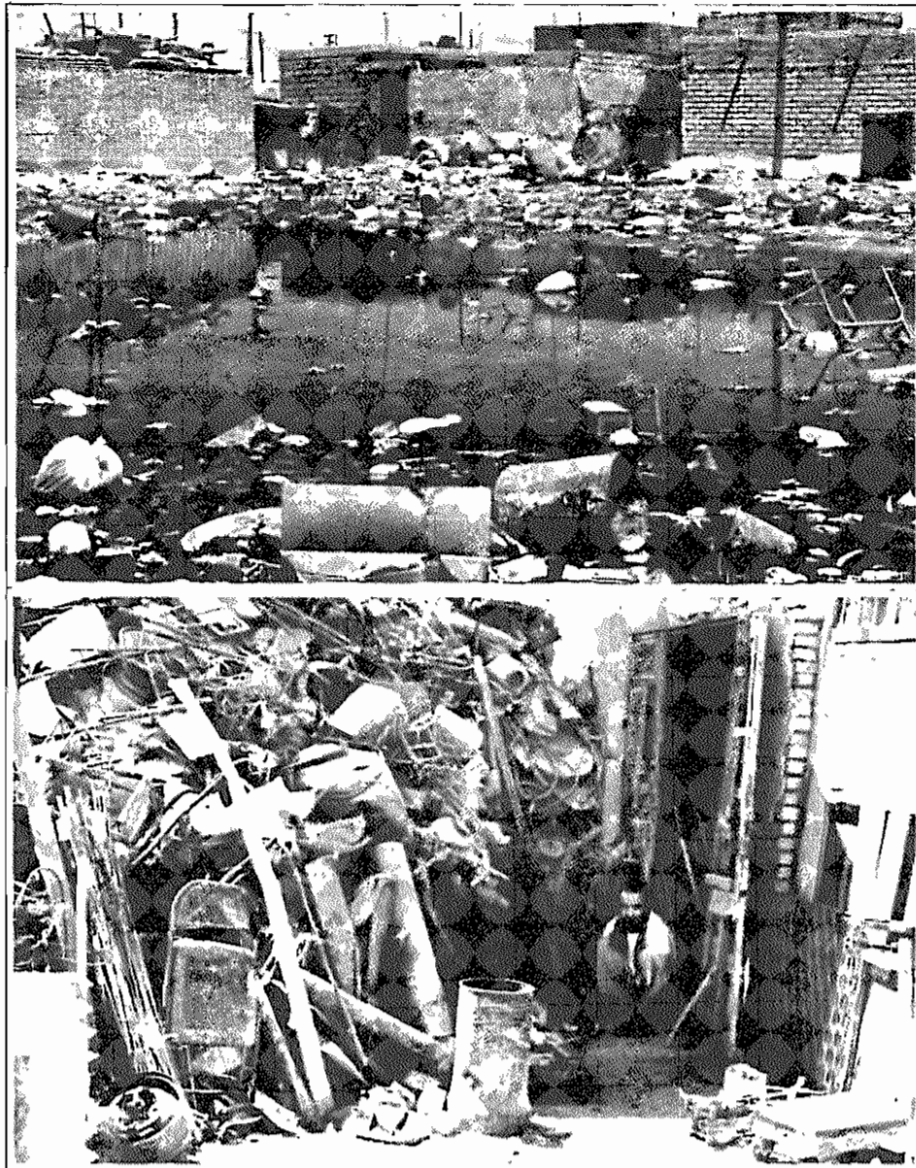
از در خانه بیرون می‌آئیم. مرد جوانی که جلوی در خانه دیگری ایستاده است، می‌گوید:

"اگر واقعا می‌خواهید وضع مردم اینجا را ببینید، بهتر است چند کوزه با لایر بروید، از زندگی خودش می‌پرسیم. می‌گوید: "از من نپرسید، من نسبتاً وضع اینجا از همه بهتر است. لاجل سفلی ثابتی دارم، هر چند خانه بدوشم و هر روز مستاجر کسی هستم."

مثلاً" حال این پیرمرد و پسران خانه ای اجاره کرده‌ام. آنها هم با همین اجاره زندگی می‌کنند. خودشان مجبور شده‌اند در اینبار زندگی کنند، تا بتوانند بهترین

خدمت نویسندگان محترم روزنامه وزین نامه مردم

ما اهالی مستضعف و فقیرده‌فشدک و شهرک‌طلقان، که دارای چند متر زمین برای گذران امرارمعاش خانواده هستیم، می‌خواهیم بدینوسیله از نفوذ آنها و ظلم و ستم آنها مردم را با خبر کنیم. در این دو قریه و سایر جاها بهمچنین، نفوذ آنها و زمینداران بزرگ، هنوز هم که هنوز است خرما درآسوارند، چرا که آبی را که ملی اعلام شده، بمردم می‌فروشند و با سوزن طرف زمنهای خود سرگردانند



نیکاراگوئه

آزاد و مستقل به پیش می‌رود

"نیکاراگوئه آزاد شد!"، "پرچم جبهه" ساندینیست آزادی ملی، "دولت" سرفراز ما ساگوئه!، "دولت" بازسازی ملی شروع به کار کرد!

این، تنها چند نمونه است از عناوین درشت روزنامه‌ها، پس از پیروزی نیروهای خلق نیکاراگوئه بر حکومت دیکتاتور سوموزا در ۲۸ تیر ۱۳۵۸. در این روز مردم نیکاراگوئه، بر رهبری "جبهه ساندینیست آزادی ملی" و پس از ده‌ها سال پیکار و جانفشانی در دشوارترین شرایط ترور و اختناق، به آزادی دست یافتند. شادمانی آنها در این روز چنان ژرف و گسترده بود، که لاقلاً چند لحظه ای، فلاکتی را، که سوموزا برای آنها به ارت گذاشته بود، از یاد بردند: ۴۰ هزار کشته، ۱۵۰ هزار آواره، ۱۰ هزار خانه ویران، ۹۰۰ هزار بیسواد، ۲۵۰ هزار بیکار، ۱/۵ میلیارد دلار بدهکاری به خارجیان، گرسنگی و فقر!

همه کس میدانست که بازسازی کشور سالها طول خواهد کشید و شماره کسانی که به چنین کامیابی شک داشتند، نیز اندک نبود. لیکن شور انقلابی و بیستکار خلق بزودی درهمه گسترده‌ها تجلی یافت. دگرگونی‌های بنیادی، بویژه در روستاها، بزودی جمع‌گیر شد. همه املاک سوموزا و قبیله او مصادف گردید و زیر نظر دولت و تعاونی‌ها درآمد. از سوی دیگر، کشت در زمین‌های باغ آغاز شد.

بنیاد انقلابی "جامعه صنعت خلق"، که رهبری و اداره موسسات ملی شده را بعهده دارد، در توسعه و همسران اقتصادی نیکاراگوئه نقش بس مهمی بازی می‌کند. در ۱۱ اردیبهشت امسال، این "جامعه" اعلام داشت که، از ۱۰۹۱ موسسه صنعتی عضو آن، در ۹۹ موسسه، تولید به سطح ۱۳۵۷ رسیده است. نیکاراگوئه همچنین در زمینه‌های بهداشتی و آموزش به دستاوردهای درخشانی دست یافته است. شبکه بهداشتی برای نخستین بار در روستاها پدید آمده و مبارزه با بیسوادیه به نخستین موفقیت‌ها انجامیده است. نیکاراگوئه در این گستره از کمک بیدریخ کشورهای سوسیالیستی بهره‌مند شده است.

این دستاوردها بویژه از آن جهت چشمگیر است که، علیرغم مقاومت سرکشان ارتجاع خارجی و داخلی حاصل شده است. "شورای کارفرمایان" منافع خصوصی نیکاراگوئه، "بارها کوشیده خواست‌های را مطرح سازد که هدف از آنها، مقابله اقتصادی و سیاسی در برابر رژیم انقلابی بود. جنبش دمکراتیک نیکاراگوئه"، که گروهی از محافظه‌کاران آن کشور را در بر می‌گیرد، بر رهبری آلفونسو روبلو، کارفرما و عضو پیشین "شورای دولت"، همواره تلاش می‌کند تا با کارزار بهتان آمیز خود میان مردم و رژیم نفیاتی افکند. در هندوراس، ۶ هزار تن از مزدوران سابق "گارد ملی سوموزا"، خود را برای تهاجم به نیکاراگوئه آماده می‌سازند. ایالات متحده آمریکا اعطای اعتباری بمبلغ ۷۵ میلیون دلار را مشروط به شرایطی پذیرش ناپذیر کرده است.

اما خلق نیکاراگوئه اینگونه دشواریها و تشبثات را با شوری انقلابی و سازنده پاسخ می‌گوید و برای پاسداری از انقلاب نگه‌می‌دارد و دستاوردهای سترگ آن از هیچگونه جانفشانیه دریغ نمی‌ورزد.

دعوت از دفترهای گسورهای غیرمتعهد برای آسان شدن با حقایق اوضاع در کامبوچا

شورای انقلابی خلق کامبوچا از دفترهای گسورهای غیرمتعهد دعوت کرد، تا از این کشور دبدن کنند و از نزدیک با حقایق اوضاع در کامبوچا و تلاش خلق این کشور برای ساختن زندگی نوین و زدودن آثار دوران سوم رژیم بول بوت - بیکساری آسان شوند.

وزیر خارجه کامبوچا گفت که دولت این کشور آماده است رسماً از نمایندگان دفترهای گسورهای غیرمتعهد استقبال کند.

و هر روز مرضی می‌گیریم و بعد هم مرض را به همدیگر می‌دهیم.

سپس ما را به چهار دیواری دیگری می‌برد. در واقع حیاطی است که در گوشه ای از آن لوتی قرار دارد. پیرمرد و پسران در آن زندگی می‌کنند. پیرمرد کور است و پسران کمی می‌بینند. لاجل از نبودن برق کمتر از سایرین رنج می‌برند! زن بما می‌گوید: "چند بار از کمیته ماده انداخته، اینجا ولی

بجز دوسه خانواده، به کس دیگری کمک نکرده اند، حتی به این پیرمرد و پسران، که آخر عمر نفس راحتی بکشند."

دختر کوچکی به آنجا می‌آید و با همه سلام و علیک گرمی می‌کند. با آنکه بیش از ۱۰ سال ندارد، مانند یک زن جا افتاده، از همه چیز حرف می‌زند. می‌گوید: "اسم من "فرزانه" است و هر روز می‌آیم به این پیرمرد و پسران کمک می‌کنم. خیلی بدبختند. هر کاری کردیم کمیته به اشان کمک کند، موفق نشدیم. کمیته فقط به چند تا از خانواده‌ها کمک کرده، که از آنها بدتر اینجا زیاد است."

می‌پرسیم مدرسه می‌روی؟ می‌گوید: "آره" والبتها از معدود کودکانی است که به مدرسه می‌رود. بیشتر بچه‌ها هرگز رنگ مدرسه و کتاب را نخونده‌اند. از خانه آنها بیرون می‌آئیم و از محله شان، راستی مسئولین کی به محله آن‌ها خواهند رفت و کی به خانه‌هایشان می‌آیند؟ خواهند گذارد؟ بچه‌های ایستگاه ۷ آبادان کی خواهند توانست نام محله‌شان را بنویسند و سرود آزادی را در کتاب‌ها بخوانند؟ کی؟

ه این مختصر که دهقانان نوشته اند، حکایت از داستان مفضل ستم و جور زمینداران بزرگ دارد. فعلاً حرف و خواست آنها بسیار ساده و عملی کردن آن کاملاً ممکن است. مقامات مسئول و نهادهای انقلابی افرادی را برای بررسی بفرستند و به بینند که آنها چه می‌گویند و ارباب چه می‌کنند؟ آدرس: ده فشندک و شهرک طلکان. دور هم نیست. چند ساعته می‌توان به ده رسید. مانند خود دهقانان منتظر اقدام هستیم.

اتاق را اجاره بدهند.

به خانه سر می‌کشیم: در حیاط این خانه دو اتاق بیشتر وجود ندارد. یکی تقریباً بزرگ و مرتب، که مرد در آن زندگی می‌کند و یکی اتاق صا حیاط، که بسیار تنگ و کوچک و تاریک است. چند کوزه با لایر می‌رویم. اینجا و آنجا آنها بساط استعمال هروئین دیده می‌شود. کاغذهای سیاه شده آلودگی می‌کنند و گلینگی لوله شده. روش شاه سابق و اربابان: با رواج مواد مخدر، مردم را بخواب بپراند مبادا بیدار شوند و از این همه جنایات با خبر.

به محوطه ای می‌رسیم که مملو از آشغال و لجن است. بچه‌ها در میان آشغال‌ها در جستجوی وسایل بازی هستند و بی توجه به مدها مگس، که سر تا پایشان را پوشانده است. دوره ما نمی‌کنند و همراه با سروصدای آنها، زنان محله نیز گردما جمع می‌شوند. اکثراً شوهرهایشان بیکارند و این بزرگترین درد آنهاست. بیکاری برای آنها می‌تواند پایان زندگی باشد. یکی از زنان ما را به خانه‌اش می‌برد. نه آب دارد، نه برق، در خرابه‌ای بنام خانه زندگی می‌کند. چهار تادیوار کلی، اتاق بدون در، می‌گوید: "سه فرزند دارم، شوهرم کارش سنگ‌گشی

با الاغ است و از این راه زندگی بخور و نمیری را می‌گذرانیم."

در حیاط خانه‌شان پیرزنی زنده پوش دراز کشیده است. می‌گوید: "این پیرزن هم گذاشت و اینجا بیش ما زندگی می‌کند."

سپس از اوضاع محله بر ایمان می‌گوید: "بیشتر خانه‌های محل آب و برق ندارند، یعنی پولش را ندارند که از آن استفاده کنند. مادر میان این کثافتات زندگی می‌کنیم

دهقانان می‌نویسند:

وما مردم بی چیزا درسی آبی و فقرها میکنند. از ظلم اینها زیاد باید گفته شود. فقط مختصراً شما نامه ما را جواب کنید، تا وزارت کشاورزی و امور عمران و آبادی ده عده ای را برای بازرسی باین قراء بفرستند، تا صحت گفتار ما و درددل مردم از این بیدینان روشن شود.

با احترام بسیار ۱۲ مرداد ۱۳۵۹ (۲۱ مه ۱۹۸۰)

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

حمایت آشکار حزب بعث عراق از شاهپور بختیار

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه از بغداد، روزنامه «الثوره» ارگان حزب بعث عراق، صفحه اول خود را به اظهارات شاهپور بختیار در مورد ایجاد «نهضت مقاومت ملی ایران» اختصاص داده است. روزنامه «الثوره» در ارتباط با اظهارات بختیار می‌نویسد: «هدف بختیار آزاد کردن ایران از سلطه گروهی است که فرهنگ و تمدن ایرانی را تحقیر و نابود کرده است».

این نخستین بار است که ارگان حزب بعث عراق، یعنی حزب حاکم در عراق، از فعالیتهای شاهپور بختیار بطور علنی حمایت می‌کند. در این مورد، ناظران سیاسی در بغداد، اهمیت فوق‌العاده‌ای را که مطبوعات عراق برای اهمیت و فعالیتهای شاهپور بختیار علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی قائلند، خاطر نشان می‌سازند. حمایت «الثوره» ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار و فعالیتهای ضدانقلابی وی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نباید مطلقاً تازه و یا غیرمسطره تلقی کرد، زیرا حمایت از شاهپور بختیار بازتاب خط مشی کلی دولت بعثی عراق مبتنی بر خصومت و تخریب و عملیات تجاوزی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. آن چیزی که در این حمایت «الثوره» ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار جلب توجه می‌کند، انتخاب زمان یک چنین اظهار نظر صریح مبنی بر سستیابی از شاهپور بختیار و فعالیتهای جنایت‌آمیز ضدانقلابی این عنصر خائن و مطرود و دیگر جنابکاران و خائنان به منافع مردم ایران است. حمایت آشکار «الثوره» از شاهپور بختیار در واقع برای آنست که، فعالیتهای مخرب و ضدانقلابی و توطئه‌گرانه شاهپور بختیار و دیگر جنایتکاران فراری از ایران را، که در عراق متمرکز شده‌اند، توجیه کند و با دادن عنوان «نهضت مقاومت ملی» به این فعالیت ضدانقلابی، شاهپور بختیار را یک عنصر «ملی» معرفی نماید، تا شاید بتواند مارک آمریکایی و عامل «سبا» بودن او را در سایه قرار دهد. در عین حال «الثوره»، ارگان حزب بعث حاکم در عراق، هنگامی بستنیانی رسمی خود را از شاهپور بختیار و نقشه‌های توطئه‌گرانه وی علیه ایران اعلام می‌کند که، طرح توطئه بزرگ جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی، با مقیاس گسترده تدارک دیده می‌سود و دولت بعثی عراق خود نقش مهمی را در پیاده کردن این طرح برعهده گرفته است.

دولت بعثی عراق تنها از شاهپور بختیار حمایت نمی‌کند، بلکه عملاً تمام نیروهای ضد انقلاب - ساوکیان فراری، افسران فراری گارد و دیگر عناصر ضدانقلابی را در خاک خود متمرکز ساخته، آنها را متسلک نموده و در نواحی مرزی عراق با ایران مستقر ساخته است و برای حمله به خاک ایران آماده می‌کند.

اعزام عناصر و گروههای خرابکار و تروریست به داخل خاک ایران، گسترش تجاوزات مسلحانه به نواحی مرز ایران و تمرکز واحدهای بزرگی از نیروهای مسلح ارتش عراق در مجاورت مرزهای ایران و اینک حمایت «الثوره» از بختیار، شبکه بزرگ و پیچیده بی‌وسه تدارک برای اجرای توطئه بزرگ جدید امپریالیسم آمریکا علیه ایران را تشکیل می‌دهد، که با رهنمودهای کاخ سفید و دواثر جاسوسی امپریالیسم آمریکا و هم‌آهنگ با فعالیتهای نظامی و تدارکات جنگی آن در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، فعالیت می‌کند.

حمایت «الثوره» ارگان حزب بعث عراق، در واقع همگونی ماهیت حکومت ضد مردمی و سفاک بعثی عراق با شاهپور بختیار را، که در افکار عمومی مردم رزمنده انقلابی ایران بعنوان عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا و نوکر بی‌اختیار تاه سابق، شناخته شده است، رسوا و برملا می‌سازد. حمایت «الثوره» ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار، بجای کسب اعتبار و حیثیت برای این عضو خیانت بیسه و مطرود، موجب رسوائی بیشتر رژیم تروریستی بعثی حاکم بر عراق خواهد شد.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

کمیته‌های انقلاب را هر چه سریع‌تر پاکسازی کنید

عوامل رژیم سابق و عناصر مشکوک هنوز در کمیته‌ها به فعالیت‌های ضد انقلابی خود مشغولند. به بازداشت غیرقانونی رفقای ما و رفتار زشت و غیرانسانی مسئولین کمیته جنب سینما دیانا " شدیداً معترضیم. باینکه پیش از یکسال و نیم از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما گذشته، متأسفانه هنوز در ارگانهای انقلابی ما تصفیه و پاکسازی بطور کامل صورت نگرفته است و عوامل ضد انقلاب فرصت آن را یافته‌اند که ضربات خود را بر پیشانی این ارگانها و از آن طریق بر پیشانی انقلاب ایران وارد آورند. یکی از ارگانهای انقلابی که هدف عمل ضد انقلاب قرار گرفته است، کمیته‌های انقلاب است. سرپرست سابق با ساداران انقلاب، آقای رضایی، بحق در محاسبه تلویزیونی خود، که روز ۱۷ مرداد ۵۹ از سیما جمهوری اسلامی ایران سخن شد، از این کمیته‌ها بعنوان نیروی مسلح انقلاب نام برد و بر اهمیت فعالیت آن در جهت دفاع از انقلاب در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدینش تأکید کرد.

کمیته‌ها تشکیلاتی هستند که از بنیان انقلاب و از درون شور مبارزاتی توده‌ها بوجود آمده‌اند و اکثریت مطلق آنها را جوانان مومن و سلحشور انقلابی میهنمان تشکیل می‌دهند. ولی عوامل ضد انقلاب، ساواکی‌های فراری و عناصر مشکوک، از همان ابتدای تشکیل کمیته‌ها سعی کردند تا با نفوذ در آنها و به بیراهه کشاندن فعالیت این کمیته‌ها، مردم را نسبت به عملکرد آنان بدبین سازند و از رشد و گسترش کار این ارگانهای مسلح خلق جلوگیری کنند.

متأسفانه در مورد پاکسازی عناصر مشکوک از کمیته‌ها تاکنون نقاشی زیادی وجود داشته است و عده‌ای از آنان هنوز به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهند.

بعنوان مثال، در تاریخ ۱۱ مرداد ۵۹، چند تن از وابستگان به کمیته واقع در جنب سینما دیانا، با حمایت از عناصر مشکوک بنام " مبارز" افغانی و "نجری"، که جلوی دانشگاه تهران به بیخ‌سایعات و افتراکات علیه حزب توده ایران و ارگانهای انقلابی که در جهت افساء این دستجات خرابکار اقدام می‌کنند) مشغول بودند، چند نفر، از جمله دو تن از رفقای ما را بازداشت کردند و به کمیته جنب سینما دیانا بردند. در آنجا سوی سر این رفقا را تراشیدند و شروع به

شورای متحد پالایشگاه تهران خواهان پاکسازی است

" جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً "

فرمان حرکت آفرین امام در جهت پاکسازی وزارت خانه‌ها و سازمانها از لوث وجود خائنین به اسلام و انقلاب و بس ماندگان رژیم منحوس پهلوی و وابستگان دربار و ساواکیها، یکبار دیگر عمق و اهمیت این مهم را نشان داد و به تصورات واهی عده‌ای که در ذهن خود تخم توطئه می‌گاشتند و آماده بخش آن در محیط کارگاه‌ها می‌شدند خط بطلان کشید.

با تأکید بر لزوم پاکسازی ر همان گونه که همواره مورد درخواست ما بوده است، باید این امر هر چه سریعتر انجام پذیرد. حال که انجمن اسلامی به تشکیل کمیته پاکسازی مبادرت ورزیده است، شورای متحد ضمن پشتیبانی قاطع از امر پاکسازی، موارد زیر را یادآور می‌سود و پاکسازی را در این چهار جوب قابل اجرا می‌داند:

- ۱- انتشار اسامی کلیه ساواکی‌ها برای آگاه‌سازی کارکنان (اخراج از صنعت نفت و معرفی به دادگاه انقلاب)
- ۲- کلیه کسانی که در طول سالیان گذشته در خدمت رژیم منحوس بوده و به اعمال ضد مردمی در پالایشگاه معروف می‌باشند (اخراج یا بازنشسته)
- ۳- سوء استفاده کنندگان از بیت المال، دزدان، شرکاء پیمانکاران داخلی و خارجی، تجار و کارکنان حقوق انسانی مردم (اخراج یا بازنشسته و در موارد مورد لزوم معرفی به دادگاه انقلاب)
- ۴- کلیه کسانی که در زمان

ملی کردن شرکت‌های حمل و نقل، اقدامی است مثبت و منطبق با خواست‌های انقلاب

۸ شرکت بزرگ حمل و نقل با ۴ هزار کامیون و با بدهی ۱۱ میلیارد و ۲۸۰ میلیون ریال، به مالکیت دولت درآمدند. این خبر از سوی آقای مهدی امین زاده، عضو هیئت مدیره شرکت گسترش خدمات بازرگانی، اعلام شد. وی هنگام اعلام این خبر همچنین گفت:

" شرکت‌های بزرگ حمل و نقل در ایران حدود ۸ شرکت بودند، که در یک شرکت مادر به نام شرکت " بارانبار " با سرمایه ۱۰۰ میلیون ریال متمرکز شده بودند. " (گویان ۲۲ مرداد ۵۹) در مورد شرکای این شرکت، آقای امین زاده افزود:

" شرکای این شرکت عبارت بودند از: گسترش خدمات بازرگانی با ۴۰ درصد سهام و شرکت‌های حمل و نقل ساربانها، ایران شانکر، تهران، خرمشهر اکسپرس بزرگ ایران، ایران سرعت، ترانس کانتینانتال، شرکت حمل و نقل پارس کانتینر و شرکت ایران یورپ (گویر)، که بقیه سهام را در دست داشتند. " (همانجا) ملی کردن شرکت‌های بزرگ حمل و نقل، که تمامی آنها شرکت‌هایی بودند مستقیم و یا غیر مستقیم وابسته به شرکت‌های امپریالیستی، اقدامی است مثبت و بخردانه، زیرا سرمایه‌داران بزرگ چون ساربانها، روح الامین‌ها و دیگر عناصر زالو صفت در همگرایی با اربابان خود، برای یکیدن خون زحمتکشان این مزر و بوم اقدام به تاسیس چنین شرکت‌های بزرگ حمل و نقل کرده بودند. پس از انقلاب اکثر سهامداران این شرکتها با به کشورهای اروپایی و آمریکا فرار کرده‌اند و در این جا و آنجا مشغول توطئه و دسیسه‌چینی علیه انقلاب ایران‌اند. و با توجه به بدهی‌های سنگینی که این شرکتها به بانکها و وزارت بازرگانی مدیون‌اند، بر مسئولان کنورا است که با رسیدگی به وضع سهامداران این شرکت‌های بزرگ، از یک سو اعمال مخرب آنها را خنثی کند و از سوی دیگر بدهی‌ها را از آنها بپزیشاندند.

افشای لیست عوامل ساواک در اهواز اقدامی است مثبت

رادیو اهواز طی یک برنامه منظم، که از اوائل ماه رمضان آغاز شد، اقدام به افشای نام ۹۰۰ ساواکی کرده است. این عده در ادارات دولتی و موسسات خصوصی از قبیل: شرکت نفت، اداره کشتا و ریزی، پست و تلگراف، دامپزشکی، آموزش و پرورش، دبستانها و دبیرستانها، رادیو و تلویزیون، دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها (نورد اهواز، لوله‌سازی، صنایع فولاد)، بیمارستانها و سایر مراکز مشغول به کار بودند و تا زمان اعلام چنین لیستی از سوی رادیو اهواز تصفیه نشده بودند. این عده پس از افساء اسامی آنها، از ادارات و موسسات تصفیه و اخراج شدند. از سوی دیگر فدا انقلاب چون میدانند که افساء اسامی ساواک چون تیشه‌ای است به ریشه‌اش، دست به انواع تبلیغات منفی علیه این اقدام مثبت زده است.

مردم خوزستان، سازمانها و گروه‌های مترقی چنین اقدام مثبتی را تأیید می‌کنند و جدا از مقامات مسئول خوزستان می‌خواهند که، چنین اقدامات مثبتی ادامه یابد.

مردم زاهدان اعمال ضد انقلابی

خانها و فئودالها را محکوم کردند

روز شنبه ۱۱ مرداد ۵۹، مردم زاهدان به مناسبت شهادت یکی از مسئولان شرکت تعاونی وابسته به جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان بدست عوامل خانها و سردارها، دست به یک راه پیمایی زدند.

در این راه پیمایی که به طرف قبرستان عمومی زاهدان صورت گرفت، ۲۰۰۰ نفر شرکت کردند. آنها شعار می‌دادند:

" خمینی می‌رزد، فئودال می‌رزد " " خانها دشمن، سردار دشمن "

در این مراسم، نظا هر کنندگان همچنین بستنیانی خود را از دانشجیان انجمن‌های اسلامی آمریکا و کانادا اعلام کردند. آنها همچنین خواستار تصفیه هر چه سریعتر زاندارم‌ری از عوامل رژیم گذشته شدند.

شورای متحد پالایشگاه تهران خواهان پاکسازی است.

نامه هژم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
دائره امتیاز و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
محل دفتر نامه مردم
فعلادراشغال عناصر غیر مسئول است
خوابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
مجله هژم



توطئه سیاهبر ضد جان امام خمینی

رادیو عدن گزارش داد که سازمان جاسوسی سیا برای مسموم کردن آیت‌الله خمینی توطئه کرده است. این رادیو اضافه کرد که اجرای این توطئه برای آمریکا ضروری است، تا بتواند مواضع متزلزل خود را ترمیم کند.

اسلام آمریکائی، امام خمینی را تکفیر میکند!

مفتی اعظم مغرب در بیانیه ای امام خمینی را تکفیر کرد و گفت روش آقای خمینی ضد اسلام است. در پی اعلام این فتوا، گفته شد که مفتی اعظم بسا دربار ملک حسن روابط نزدیکی دارد و این فتوا ظاهراً با توصیه دربار ملک حسن صادر شده است.

ببرک کارمل از مسلمانان جهان خواست که از انقلاب فلسطین و ایران حمایت کنند

ببرک کارمل، رهبر افغانستان، در نطقی در کابل، بمناسبت عید فطر، گفت که خلق قهرمان افغانستان توطئه های امپریالیسم و ارتجاع جهانی را که زیر نام مقدس اسلام می‌خواهند در روند انقلاب افغانستان خرابکاری کنند، قاطعانه در هم می‌کنند.

کارمل از مردم خواست که برای ساختن زندگی نوین و جامعه عاری از استثمار متحد شوند. رهبر افغانستان از مسلمانان جهان خواست که از انقلاب فلسطین و ایران حمایت کنند.

مراسم عید فطر باشکوه فراوان از سوی مسلمانان در جمهوریهای آسیای شوری برگزار شد.

در تاشکند، مرکز جمهوری ازبکستان شوری، مسلمانان در مساجد مراسم نماز عید فطر را با آواز آوردند. در باکو مرکز آذربایجان شوری، نیز مسلمانان باشکوه فراوان مراسم عید فطر را برگزار کردند. مراسم نماز عید فطر در مسجد تازه پیرباکو برگزار شد. سخنرانان مذهبی اعلام کردند که مراسم عید فطر بویژه امسال برای مسلمانان اهمیت دارد، زیرا قوراست در ماه سبتا میر سبتا در آغاز قرن بیستم هجری در تاشکند برگزار شود.

رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق در هند هم خرابکاری میکند

رژیم دست‌نشانده ضیاء الحق، که بدستور ارباب خود آمریکا در توطئه بیشرمانه علیه افغانستان سرکوت فعال دارد، خرابکاری علیه هند را نیز گسترش میدهد.

در چند هفته گذشته حدود سیصد جاسوس و خرابکار پاکستانی در ایالت پنجاب هند خام افتادند. از جمله چند خرابکار مسلح، که برای خرابکاری به این منطقه اعزام شده بودند، در پی عقیم ماندن طرح خرابکاری با زداخت شدند.

همکاری چین و پاکستان علیه هند

مطبوعات هند گزارش میدهند که چین و پاکستان نیروهای خود را در امتداد مرز هند تقویت میکنند.

روزنامه های هند، با توجه به گزارشهای معتبر، نوشتند که پاکستان و چین بویژه در امتداد جاده قره قوروم، که از هندوستان تا چین می‌گذرد، دست به تمرکز نیرو زده اند. چین در طول این شاره ماه موسسه های نصب کرده است که بسوی هند و افغانستان نشانه رفته اند. قرار است کارشناسان سازمان سیا، انگلیس و چین وسائیل اطلاعاتی و مخبراتی ویژه ای در این منطقه برای کسب اطلاع از شوری، هند و افغانستان نصب کنند. چین همچنین در تبت نیز پایگاه های موشکی مستقر می‌کند.

برشری طلبان بکن و دیکتاتور نظامی دست نشانده پاکستان، که از سیاست خارجی مستقل هند خشمگین شده اند، تصمیم دارند که تحریکات علیه این کشور را افزایش دهند. اسلام آباد و پکن، با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا، همکاری های مختلف بویژه همکاری در زمینه نظامی را گسترش میدهند.

اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در سالوادور، ارتجاع را به وحشت انداخته است

در حالیکه پیکار مردم قهرمان سالوادور با خونتای نظامی آن کشور روز بروز اوج میگیرد، به ابتکار سندیگای کارگری و جبهه دمکراتیک انقلابی سالوادور، قرار است که از روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه، زحمتکشان و دیگر قشرهای مردم ستم دیده سالوادور در اعتراضی همگانی، اعتراض خود را به سیاست سرکوبگرانه و جاسوسی رژیم ایران دربارش، پیش بینی می‌شود که بیست و نهم میلیون نفر در این اعتصاب شرکت کنند.

خونتای نظامی سالوادور، که نتوانست با تهدیدات خویش، رهبران اعتصاب را از این اقدام باز دارد، برای مقابله با جنبش وسیع اعتراضی، به ارتش فرمان آماده باش داده و یگان های مسلح خود را بویژه در سان سالوادور و حومه متمرکز ساخته است. ارتش و پلیس سالوادور روزها سست که به تهاجمات وحشیانه خویش بسه مراکز کارگری و مقر رهبران سندیگاکا افزوده اند.

از سوی دیگر، رهبران اتحادیه های کارگری سالوادور اعلام داشته اند که، در صورت اقدامات اعتصاب شکنانه از سوی نیروهای نظامی، به ایستادگی مسلحانه خواهند پرداخت.

در جبهه، خارجی نیز، امپریالیسم آمریکا، که بویژه پس از انقلاب پیروزمند نیکاراگوئه، از محدودیت شدن بازم بیشتر گستره غارتگریش در قاره آمریکا، بیمناک است، اندیشه دخالت مستقیم بسود رژیم سرسپرده اش را در سر می‌پروراند و در این زمینه به تدارکات گسترده ای نیز دست زده است.

چند روز پیش، برخی از روزنامه های آمریکایی، از جمله سانفرانسیسکو اگزامینر، گزارش دادند که، هزاران تفنگدار دریایی آمریکا در کالیفرنیا، شمالی، آلاباما و اوهایو برای مدخله در سالوادور و سرکوب رستاخیز خلق رزمنده آن کشور آموزش می‌بینند. فزون بر این، سفارت آمریکا

همکاری پاکستان و عربستان سعودی گسترش می‌یابد

در پی دیدار محرمانه واکپایی ضیاء الحق، دیکتاتور دست‌نشانده پاکستان از عربستان سعودی، ناظران سیاسی در بیروت گفته اند که هدف از این دیدار همکاری های هرچه بیشتر دو کشور در زمینه های مختلف، بویژه در زمینه نظامی بوده است. بگفته این محافل، رژیم ضیاء الحق، که در داخل کشور بر اثر سیاست های ضد خلقی و خوش خدمتی به اربابان آمریکا، با مخالفت های روز افزون روبرو است، تلاش می‌کند که حمایت هرچه بیشتر خاندان آل سعود را نسبت به خود جلب کند. از جمله ضیاء الحق تلاش دارد که عربستان سعودی را وادار سازد یول ساز و برگ نظامی ارسالی آمریکا به پاکستان را نرداخت کند.

رژیم ضیاء الحق بدستور آمریکا تصمیم گرفته است که بودجه نظامی کشور را بازم افزایش دهد. امسال ۱۲ درصد دیگر بر مخارج نظامی پاکستان اضافه شده است، و این در حالی است

یکی از موارد این همکاری توطئه مشترک علیه افغانستان است. نشریه "نیویج" چاپ هند خبر میدهد که سیل سلاح از سوی آمریکا و چین بسوی پاکستان سرازیر شده و رژیم دست نشانده ضیاء الحق این سلاح ها را به باندهای افغانی تحویل میدهد.

دروغ پر اکنی های خبر گزارهای امپریالیستی فاش میشود

دروغ پردازیهای خبرگزاری های غربی، این بلندگوهای رسوای امپریالیستی، خنم و نفرت محافل اجتماعی و روزنامه های ترقیخواه کشورهای غربی را برانگیخته است. از جمله روزنامه اومانیت، ضمن بررسی خبرهای خبرگزاری فرانسه در باره افغانستان، با توجه به شواهد و حقایق غیر قابل انکار، نوشت که این خبرگزاری، که با پول ملت اداره می‌شود، به دستگسسه دروغ و تحریف تبدیل شده است. اومانیت اضافه کرده:

که توده های محروم پاکستانی در فقر روز افزون دست و پا می‌زنند. محافل سیاسی در بیروت عقیده دارند که ضیاء الحق همچنین مسئله ابقای نقش "فالترا" از طرف پاکستان در خلیج فارس را با سردمداران خاندان آل سعود مورد بحث قرار داده است.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد که پاکستان را در جهت حمایت هرچه بیشتر از حکومت های عرب "طرفدار غرب" وارد محنه کند. آقا شاهی، وزیر خارجه رژیم ضیاء الحق و جاسوس برجسته سازمان سیا، چندی پیش برای تقبل نقیضش ژاندارمی در خلیج فارس، پنج میلیارد دلار "حق و حساب" طلب کرده بود.

مسأله همکاری بیشتر عربستان سعودی و پاکستان در مورد کمک به افغانستان نیز از جمله مسائل مورد بحث ضیاء الحق در ریاض بوده است. این مسئله جلب توجه می‌کند که دیدار ضیاء الحق از عربستان سعودی، کمتر از ۴۸ ساعت بعد از دیدار مدام حسین از این کشور صورت گرفت، و بنا بر این نمیتوان همکاری های سه جانبه عراق، پاکستان و عربستان سعودی را از نظر دور داشت.

"مدیریت خبرگزاری فرانسه" دست نشانده انحمارات فرانسوی است.

به نوشته اومانیت، خبرگزاری فرانسه در گزارش های خود از خبرگزاری های رسوای آمریکا بی الهام می‌گیرد و برکسی پوشیده نیست که خبرگزاری های آمریکا بی به تنها چیزی که توجه ندارند، "حقایق" است. چندی پیش خبرگزاری های غربی از قول یک "مسافر" دهلوی، با آب و تاب خبر داده بودند که "ناهیتمنا" راتب زاده، وزیر آموزش افغانستان کشته شده و حتی جسد وی را در خیابان دیده اند. راتب زاده سه روز بعد از پخش این خبر، یک کنگره آموزشی را در کابل گشود.

خبرگزاری های غربی چندی پیش در جریان برگزاری بازیهای المپیک، با عجله آتش گرفتن زباله در میدان سرخ مسکو را "خودسوزی" یک مسرد مخا بره کردند، اما آتش انقدر شور بود که تمام این خبرگزاری ها یکساعت بعد مجبور شدند خبر خود را بنوعی تکذیب کنند.

باز هم قطب زاده!

قطب زاده: "... تهمنت میزنند، دروغ میگویند، حمله می‌کنند... مرتب دروغ می‌گوئیم، غیبت میکنیم، حمله می‌کنیم، در رسانه های گروهی بیاد تهمنت و افترا می‌گیریم... همیشه تبلیغات و جاروچتال بوده، دروغ برداری در دوره جدیدی نیست... در ۲۵ سال گذشته نیز بوده... اگر یکبار اشخاص یا مسئولین را که به دیگران تهمنت زدند، دروغ گفتند و افترا زدند، کنار گذاشتیم، مملکت اداره میشود. این تبلیغات اخلاق اسلامی نیست، اخلاق کفر است... من هر کس را چه بنام اسلام، چه بنام کفر از خط اسلام و اخلاق اسلام منحرف بشود، دروغ بگوید، تهمنت بزند، افترا بزند و بکطرفه عمل کند، اینرا خط اسلام نمی‌دانم و فاسد می‌دانم..."

(از حرفهای قطب زاده در حوزه علمیه قائم جیدر سمیران، کیهان، مورخ ۲۰/۵) در ایران حزبی است بنام حزب توده ایران که اینها... حزب توده شوری هستند، نوکر شوری هستند و اینجا عمل می‌کنند و جیره می‌خورند، حالا روزنامه شان را نیز می‌برند سفارت شوری جاب می‌کنند، می‌آورند بیرون.

(همانجا) از مسئولین جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که کسانی را که "دروغ می‌گویند" تهمنت میزنند، "افترا میزنند"، حمله می‌کنند"، حرفهای ۲۵ سال گذشته" شاه و ساواک را تکرار می‌کنند و بنا بر این از "اخلاق کفر پیروی می‌کنند" فاسد هستند، "کنار بگذارند"، آسوقت "مملکت اداره" خواهد شد!

امریکا به کودتاچیان بولیوی کمک نظامی میکند

ویکتور لویز، یکی از رهبران برجسته کارگری بولیوی، در مادرید گفت: "زندگی زندانیان سیاسی بولیوی در معرض خطر است"

لویز خواستار همبستگی بیشتر بین المللی با خلق مبارز بولیوی شد. وی گفت که دار و دسته مزدور نظامی، که بایک کودتا قدرت را در دست گرفته اند، هزاران تن را بازداشت کرده و مدتها تن دیگر کشته شده اند. روزنامه مخفی "بولیوی آزاد" خبر داده است که در جریان کودتا ۳ هزار تن بقتل رسیده اند. در همان حال گزارش میرسد که رژیم کودتا نتوانسته است بر کشور مسلط شود و مقاومت در برابر رژیم ادامه دارد.

از سوی دیگر، سیاست ریاکارانه امپریالیسم آمریکا در مورد کودتای بولیوی شدیداً "از سوی محافل اجتماعی آمریکا لاتین محکوم شد امپریالیسم آمریکا، که در پی کودتای بولیوی، زیر فشار افکار عمومی آمریکای لاتین ریاکارانه اعلام کرده بود که هرگونه کمک اقتصادی به رژیم کودتا را قطع خواهد کرد، بنا بر شواهد و مدارک غیر قابل انکار، کمک به رژیم نظامی را ادامه میدهد.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

کنند.

دولت آمریکا برای افزایش مخارج نظامی، اوضاع افغانستان را

را تحریف میکند. روزنامه نیویورک تا بزم مقاله افشا کننده ای در باره افغانستان، بقلم جان سامرویل، مدیر مجله "جرج من" چاپ کرده است.

در مقاله گفته شده است که دولت آمریکا اوضاع افغانستان را تحریف می‌کند، تا بتواند افزایش مخارج نظامی را، که با مخالفت روز افزون زحمتکشان آمریکا بی روبرو میشود، توجیه کند. در مقاله اضافه شده است که اگر دولت آمریکا واقعا به صلح علاقمند است، چرا به پیشنهاد های دولت هندی افغانستان و اتحاد شوروی توجه نمی‌کند؟ دولت شوروی اعلام کرده است که بعضی آنگه قطع تجار و از خارج علیه افغانستان تضمین شود، سربازان محدود خود را از افغانستان خارج می‌کند.